

چندمعنایی واژه‌های پیچیده مختوم به «نامه» در چارچوب صرف ساختی

پریا رزم دیده (استادیار دانشگاه ولی عصر رفسنجان، رفسنجان، ایران) (نویسنده مسئول)
ساره خیرمند (دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

صص: ۹۸-۵۹

چکیده

بررسی واژه‌های پیچیده مختوم به «نامه»، از جمله موضوعاتی بوده که کمتر مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است. در این جستار، به منظور بررسی نقش واژه‌سازی «نامه» در این گروه از واژه‌های پیچیده زبان فارسی، به تحلیل چندمعنایی این جزء واژگانی در چارچوب صرف ساختی (بوی، ۲۰۱۰) پرداخته شده است. برای نیل به این هدف، ۱۰۲ واژه ساخته شده با «نامه» از فرهنگ فارسی زانسو (کشانی، ۱۳۷۲)، فرهنگ بزرگ سخن (انوری، ۱۳۸۱) و فرهنگ دهخدا (۱۳۷۷) گردآوری شدند که با استفاده از امکانات صرف ساختی مبنی بر وجود طرح‌واره ساختی ناظر و انشعاب زیرطرح‌واره‌ها بر اساس دخالت سازوکارهای سطح مفهومی، در ۱۲ دسته مختلف قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که طرح‌واره‌های تصویری، مجاز و استعاره سه سازوکار اصلی عامل چندمعناشدن سازه مشترک «نامه» در واژه‌های مورد بررسی بوده است. به علاوه، امکانات صرف ساختی از جمله وجود معنای مقید در قالب اصطلاح ساختی، واژگان سلسله‌مراتبی و وراثت پیش فرض نشان داد که بر ساخت واژه‌های پیچیده مختوم به «نامه»، طرح‌واره‌های ساختی موسوم به اصطلاح ساختی ناظر است که «نامه» را در وضعیت بینابین ترکیب و اشتقاق قرار می‌دهد و آن را به عنوان «شبه‌وندی» در مسیر دستوری‌شدگی قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: نامه، چندمعنایی، سازوکارهای مفهومی، شبه‌وند، طرح‌واره ساختی

۱. مقدمه

ترکیب یک از رایج‌ترین فرایندهای ساخت‌واژی در اغلب زبان‌های جهان است. این فرایند حاصل آمیزش دو یا چند واژه با یکدیگر است. فارسی از جمله زبان‌هایی است که توانایی زیادی برای بهره‌گیری از این فرایند واژه‌سازی دارد (زمردیان، ۱۳۹۴)، به‌صورتی که در این زبان به دو شیوه عمده هسته-آغاز^۱ و هسته-پایان^۲ مرکب ساخته می‌شود. تنوعات مقوله‌های مرکب در زبان فارسی و ساخت نوواژه‌ها، نشان از زابایی^۳ ترکیب در زبان فارسی دارد. ضمن اینکه واژه‌های مرکب واحدهای مستقل واژگانی هستند، شباهت‌هایی را با گروه‌های نحوی به‌ویژه در مرکب‌های هسته-آغاز نشان می‌دهند. اما نکته جالب توجه این است که نوعی رابطه سلسله‌مراتبی میان پیوستاری از گروه‌های نحوی تا مرکب‌های هسته-پایان وجود دارد که نشانگر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان ایستگاه‌های این پیوستار است. بوی (۲۰۱۰، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴) از جمله پژوهشگران حوزه ساخت‌واژه بوده‌است که با اتخاذ دیدگاه ساخت-محور نسبت به زبان الگویی نظری-تحلیلی برای بررسی این شباهت‌ها و تفاوت‌ها در قالب سلسله‌مراتبی از ساخت‌ها ارائه کرده‌است. طبق بینش ساخت-محور است که می‌توان گفت بین مرکب‌های هسته-پایان و واژه‌های مشتق نیز، قرابت وجود دارد. آنچه، بوی و هونینگ (۲۰۱۴)، با بهره‌گیری از تعریف اصطلاح، اصطلاح ساختی^۴ می‌خوانند، امکان تحلیل این قرابت در چارچوب امکانات نظریه صرف ساختی را فراهم می‌کند. به این صورت که دسته‌ای از عبارات زبانی با داشتن سازه‌های ثابت و با امکان محدود تغییر بعضی سازه‌ها، می‌توانند در ادامه سلسله‌مراتبی از ساخت‌ها شامل گروه‌های نحوی تا ترکیب قرار گیرند و ضمن حفظ شباهتشان به واژه‌های مرکب معنا(ها)یی مقید تولید کنند که آن‌ها را به مرز اشتقاق نزدیک می‌کند. این طرز نگرش به فرایندهای واژه‌سازی، امکان در نظر گرفتن گروهی از هسته‌های پایانی مکرر و پربسامد در واژه‌های مرکب به عنوان شبه‌وند^۵ را فراهم می‌کند. نظریات هاینه^۶ و

۱ head-first

۲ head-last

۳ productivity

۴ constructional idiom

۵ bound meaning

۶ affixoid

همکاران (۱۹۹۱) مبنی بر پیوستاری بودن تغییر جزء واژگانی به وند در زمینه‌ای تدریجی و تاریخی و بوی (۲۰۰۲) بر پایه دخالت استعاره به صورت بسط استعاری به عنوان انگیزش این تغییر تدریجی با مرزهای نامشخص نیز، زمینه تحلیل شبه‌وند به صورت وضعیت بینابینی اشتقاق و ترکیب را فراهم کرده است. برخی اسم‌های پسایند در ساخت بعضی از واژه‌های فارسی که مرکب پنداشته می‌شوند، با بسامد بیشتری به کار رفته‌اند از جمله «نامه» که در مقام هسته پایانی یا اسم پسایند تعداد زیادی از واژه‌های فارسی است. آنچه جالب توجه است چندمعنایی واژه‌های پیچیده حاوی «نامه» و رفتاری است که «نامه» با داشتن معنای مقید در ساخت این واژه‌ها دارد. در پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در چارچوب صرف ساختی به نقش «نامه» در ساخت واژه‌های پیچیده حاوی این اسم پسایند پرداخته می‌شود و سازوکارهای شناختی برای بررسی انگیزش‌های ایجاد چندمعنایی تحلیل می‌شوند. بدین ترتیب پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر از این قرارند: چگونه می‌توان چندمعنایی واژه‌های دارای «نامه» را در چارچوب صرف ساختی توجیه کرد؟ و آیا این چندمعنایی هم‌چنان نشان می‌دهد که در این گروه از واژه‌های پیچیده با فرایند ترکیب و واژه‌های مرکب حاصل سروکار داریم؟

۲. روش پژوهش

داده‌های پژوهش از فرهنگ فارسی زانسو (کشانی، ۱۳۷۲)، فرهنگ بزرگ سخن (انوری، ۱۳۸۱) و فرهنگ دهخدا (دهخدا، ۱۳۷۷) جمع‌آوری شدند. پیکره حاصل شامل ۱۰۲ واژه پیچیده ساخته شده با سازه مشترک نامه است که معانی قاموسی آن‌ها در پیکره‌های مورد بررسی واکاوی شد. سپس طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌های ساختی پیکره داده‌های تفکیک شده مورد نظر در چارچوب صرف ساختی (بوی، ۲۰۱۰^۳) شناسایی و بررسی شدند. علاوه بر این، فرایندهای مفهومی شامل طرح‌واره تصویری، مجاز و استعاره به عنوان عوامل ایجاد چندمعنایی و در نتیجه زیرطرح‌واره‌های ساختی مختلف در تحلیل دخیل شدند. در این

۱ Heine

۲ constructional schema and subschema

۳ Booij

£ image schema

پژوهش، انشقاق زیرطرح‌واره‌ها به‌عنوان پراکنش معنایی^۱ و براساس تأثیر فرایندهای مفهومی تبیین شد و جنبه‌های معنایی موجود مورد واکاوی قرار گرفت. لازم به ذکر است در تعداد محدودی از واژه‌های پیچیده حاوی سازه مشترک نامه از جنبه یکپارچه‌سازی طرح‌واره‌ها پرداخته شده است. نگارندگان آگاهند با وجود چندسویگی هم‌زمان دستوری و واجی مورد نظر نظریه صرف ساختی و همچنین تأثیر عواملی از جمله عوامل تاریخی، عوامل دیگری غیر از فرایندهای مفهومی در انشعاب زیرطرح‌واره‌ها نیز می‌تواند دخیل باشند که بررسی آن خارج از محدوده پژوهش حاضر است.

با توجه به پیکره داده‌های مورد بررسی، برای واژه‌های پیچیده حاوی سازه مشترک نامه، ۱۲ دسته شناسایی شد که بیانگر چندمعنایی این عضو واژگانی ثابت در این ترکیب‌ها است. هر گروه دارای یک زیرطرح‌واره ساختی از طرح‌واره ساختی کلی و ناظر و یا زیرطرح‌واره‌های ساختی فرعی تر منشعب از زیرطرح‌واره‌های بلافصل متصل به طرح‌واره ساختی کلی است. در هر کدام از این زیرطرح‌واره‌ها، بسته به نوع و شیوه دخالت و تأثیر یکی از فرایندهای مفهوم‌سازی شامل طرح‌واره‌های تصویری، مجاز یا استعاره، یک معنی خاص برای سازه مشترک نامه برجسته می‌شود که کل آن گروه از واژه‌های پیچیده منشعب از یک زیرطرح‌واره با همان معنی درک می‌شود. مقوله پایه از واژه‌های پیچیده مورد بررسی در همه موارد اسم هستند به جز در واژه پیچیده ویژه‌نامه که مقوله پایه صفت است. همچنین در مواردی، تعلق هم‌زمان برخی از واژه‌های پیچیده به بیش از یک زیرطرح‌واره توضیح داده شد. در نهایت، شبکه طرح‌واره انتزاعی حاکم و زیرطرح‌واره‌های منشعب از آن که معادل چندمعنایی سازه مشترک نامه است، آورده شده است. در پایان، امکان شبه‌وند بودن «نامه» با شواهدی در چارچوب امکانات صرف ساختی و تمهیدات نظری مرتبطی شامل دستوری‌شدگی^۲ بسط استعاری^۳ و تغییر زیرمقوله اسم‌های پایه بررسی شده است. واژه‌هایی مانند استمالت‌نامه، تهنیت‌نامه، تعزیت‌نامه، امان‌نامه، پندنامه، باج‌نامه، نجات‌نامه، فتح‌نامه، طرب‌نامه، فراست‌نامه راه‌نامه، فراق‌نامه و چکنامه به علت اینکه منسوخ شده‌اند و پژوهش حاضر پژوهشی هم‌زمانی است، در

^۱ semantic fragmentation

^۲ unification

^۳ grammaticalization

£ metaphorical extension

پیکره اصلی داده‌ها درج و بررسی نشده‌اند. اما با توجه به در نظر گرفتن دستوری‌شدگی به‌عنوان تمهیدی نظری برای توجیه شبه‌وند بودن «نامه»، لازم به ذکر است بررسی این گروه از داده‌ها در پیکره داده‌های در زمانی، می‌تواند نشان دهد که تقریباً در چه زمانی جزء پسایند «نامه» اولین پراکنش‌های معنایی از دو معنی نامه و کتاب که در کسوت کاربرد آن‌ها به‌صورت مرکب وجود داشته‌اند، نشان داده‌است. همچنین می‌تواند عوامل احتمالی چند معنانشدن آن، غیر از فرایندهای مفهومی و تقدم و تأخر کاربردها به‌صورت جزء آزاد واژگانی یا شبه‌وند را نشان دهد که خود می‌تواند تأییدی بر/ نشانگر پیوستار دستوری‌شدگی باشد. لذا تحقیقی با تکیه بر داده‌ها از پیکره‌های در زمانی و متون تاریخی مقتضی است که از حوصله پژوهش حاضر خارج بوده‌است. از سوی دیگر، دست‌کم با تکیه بر معانی قاموسی واژه‌های فوق، معانی چندگانه‌ای اغلب منطبق با بعضی از معناهای معاصر نامه، که در این جستار شناسایی شده‌اند، افاده می‌گردد که علاوه بر نشان دادن چندمعنانشدن «نامه» در زمان‌های دورتر از زمان معاصر، تا حدودی قابل گنجاندن در زیر طرح‌واره‌های مشخص شده هستند. برای مثال استمالت‌نامه، نوعی نامه بوده‌است، فتح‌نامه نوعی حکم و فراست‌نامه نوعی مجموعه/گردابه بوده‌اند.

۳. پیشینه پژوهش

در این بخش، پژوهش‌های انجام‌گرفته در دو زمینه بررسی واژه‌های پیچیده ساخته‌شده با سازه نامه و بررسی واحدهای زبانی فارسی با چارچوب صرف ساختی که اغلب پدیده چندمعنایی را مورد عنایت قرار دادند، به ترتیب مرور خواهند شد. طباطبائی (۱۳۸۶) در اولین مقاله از مجموعه مقالاتی با عنوان ترکیب در زبان فارسی، همان‌طور که از عنوان آن آشکار است، به گروهی از ساختارهای واژه‌های مرکب پرداخته‌است که برحسب ساختار مقوله و روابط نحوی-معنایی طبقه‌بندی شده‌اند. وی مشخصاً با ذکر مثال شکایت‌نامه به‌عنوان یکی از واژه‌های مرکبی که از ساختار اسم + اسم تبعیت می‌کنند، واژه‌های دارای سازه مشترک نامه را جزء واژه‌های مرکب هسته‌پایانی دانسته که هر دوی هسته و وابسته آن‌ها معنی اسمی دارند. در کتابی دیگر، با عنوان مشابه (۱۳۹۵) که گردآورده مجموعه مقالات قبلی در رابطه با ترکیب به انضمام یافته‌هایی جدیدتر است، طباطبائی گروهی از اسم‌های مرکب با ساختار اسم + اسم را مورد عنایت قرار می‌دهد که اسم پسایندشان در مقام عضوی ثابت، به‌صورت پریسامدی واژه مرکب ساخته‌اند و از آن جمله واژه‌های مرکب ساخته‌شده با

نامه هستند. به گفته او مرکب‌های نامه-پایان در ۱۵۰ ترکیب، دو معنی مختلف را دربردارند؛ ۱. ورق یا ورقه‌هایی که بر روی آن چیز ناظر بر اسم آغازین را می‌نویسند؛ مانند احضارنامه و ۲. کتابی که در آن مطالبی ناظر بر اسم آغازین می‌نویسند؛ مانند نمایش‌نامه. سامعی و تفسیری (۱۳۹۳) در کتابی که در آن به بررسی الگوهای ساخت‌واژه‌ای زبان فارسی پرداخته‌اند، واژه‌های حاصل از ترکیب را براساس جزئیات نوع ترکیب، معنای ترکیب، زبایی، بسامد و سبک طبقه‌بندی کرده است. او ضمن این‌که واژه‌های حاصل از سازه‌نامه را مرکب‌شناسایی کرده، آن‌ها را در ۸ دسته قرار داده است؛ شامل ۳ دسته با عنوان یکسان اسم چیز + نامه که به ترتیب نام کتاب‌ها، سند و مجموعه و سند هستند، اسم عمل + نامه، فعل‌گونه (عمل) + نامه، فعل مضارع (عمل) + نامه، اسم (زمان) + نامه، صفت (ویژگی) + نامه جای داده است. در این پژوهش، برای همه این دسته‌ها، به جز دو گروه آخر که معنایی معادل نسبت/تخصیص شناسایی شده، معنای ترجمان یا ترجمان/سند نیز ذکر شده است.

پژوهش‌های مختلفی با چارچوب صرف ساختی، پدیدۀ چندمعنایی را مورد توجه قرار داده‌اند. رفیعی (۱۳۹۱) از اولین محققانی است که به معرفی این نظریه (بوی، ۲۰۱۰) در الگوهای واژه‌سازی زبان فارسی پرداخت. در همین راستا، رفیعی و ترابی (۱۳۹۳) با اشاره به مفاهیم طرح‌واره ساختی، وراثت پیش‌فرض و انگیزش‌مدرج به مطالعه سه الگوی واژه‌سازی «-زار»، «-ش» و «آمیز» در زبان فارسی پرداختند. این پژوهش نشان داده که در نظر گرفتن مفهوم وراثت پیش‌فرض، نقش انگیزشی و مدرج طرح‌واره‌های ساختی سبب می‌شود الگوهای ساخت‌واژی الگوهایی ایستا و غیرقابل‌تغییر نباشند و مقوله‌های واژگانی پویا و جدیدی از آن‌ها حاصل شود. همچنین، بامشادی و قطره (۱۳۹۶) و بامشادی و همکاران (۱۳۹۷) با بهره‌گیری از رویکرد بوی (۲۰۱۰) به ترتیب به بررسی طرح‌واره‌های ساخت‌واژه‌ای پسوندهای «-ی» و «-انه» در زبان فارسی پرداخته‌اند. در این پژوهش‌ها، پیچیدگی‌های چندمعنایی قاموس‌واژه‌های حاصل از این پسوندها، با امکانات طرح‌واره‌های ساختی دسته‌بندی شده‌اند و چندمعنایی را نه در سطح واژه‌های عینی بلکه در سطح طرح‌واره‌های ساختی قابل‌توجه دانسته‌اند. در پژوهش پسوند «-ی» (بامشادی و قطره، ۱۳۹۶) شبکه ساخت‌های این پسوند منشعب از طرح‌واره انتزاعی «وابستگی و نسبت» با ۸ زیرطرح‌واره اصلی با مرتبه‌ای بالاتر و ۵ زیرطرح‌واره فرعی به هم پیوند می‌خورند. در پژوهش دوم (بامشادی و همکاران، ۱۳۹۷)، ضمن تفکیک زیرطرح‌واره‌های ساختی، شبکه سلسله‌مراتبی صوری زیرطرح‌واره‌ها به تفکیک

مقوله‌ها نمایش داده‌شد که به دلیل تنوع معنایی پسوند «-انه» در پیوند با مقوله‌های اسم، صفت و فعل و همچنین تنوع مقوله‌های حاصل بوده‌است. بهرامی خوشید و نامداری (۱۳۹۷) افعال پیشوندی را با هدف تحلیل طرح‌واره و طبقه‌بندی صوری و معنایی آن‌ها در چارچوب نظریه صرف ساختی (بوی، ۲۰۱۰) بررسی کردند. آن‌ها با در نظر داشتن مسئله ترکیب‌پذیری معنایی به این نتیجه رسیده‌اند که ضمن ترکیب‌پذیر نبودن معنای افعال پیشوندی در بسیاری از موارد، این مسئله باعث ایجاد چندمعنایی می‌شود. با بازنمایی این چندمعنایی در چارچوب طرح‌واره‌های ساختی، طرح‌واره کلی را منحصر به افعال پیشوندی با معنی پیش‌بینی‌پذیر دانسته‌اند. در همین راستا، رفیعی و رضایی (۱۳۹۸) با بهره‌گیری از نسخه (۲۰۱۰) چارچوب بوی به بررسی چندمعنایی پسوند -گر، با توجه به ترکیب‌ناپذیری معنایی اسامی مشتق از این پسوند پرداختند. آن‌ها با شناسایی سه مقوله کلی اسم شخص عامل (شغل)، اسم شخص عامل (غیرشغل) و اسم شیء عامل (ابزار)، دیدگاه چندمعنایی در مقابل تک‌معنایی را اتخاذ کردند و معنی آغازین را «عامل انسانی انجام مدام و متمایز عمل مرتبط با معنی پایه» در نظر گرفته‌اند. عظیم‌دخت و همکاران (۱۳۹۷) و عظیم‌دخت و رفیعی (۱۳۹۸)، در چارچوب صرف ساختی به ترتیب بررسی تنوع معنایی واژه‌های مرکب مختوم به «پز» و «یاب»، پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها، با بهره‌گیری از داده‌هایی از پیکره‌های در زمانی و هم‌زمانی، واژه‌های مرکب مختوم به این دو ستاک را برحسب ارجاع‌شان دسته‌بندی کرده‌اند و با به بحث گذاشتن مناقشات مربوط به ارتباط دو گروه اسم عامل و ابزار در مجموعه‌های مورد بررسی، انتزاعی‌ترین طرح‌واره ناظر بر ساخت آن‌ها را مشخص کرده‌اند و نظام سلسله‌مراتبی ساختی تنوعات معنایی موجود را به دست داده‌اند. در چارچوبی مشابه، ایمانی و همکاران (۱۳۹۷) و ایمانی و رفیعی (۱۳۹۸)، نام‌اندام‌های «دل» و «سر» را در کلمات مرکب فارسی تحلیل کرده‌اند. در این پژوهش‌ها با رد چندمعنایی منطقی، چندمعنایی ساختی مبنای تنوعات نظام‌مند موجود در کلمات مرکب ساخته‌شده با این دو اسم در نظر گرفته شده‌است و ضمن دخیل دانستن فرایندهای مجاز و استعاره، کارکرد اصلی طرح‌واره ساختی انتزاعی ناظر بر زیرطرح‌واره‌های بیانگر تنوعات معنایی، متمایز کردن هستار یا موجودیت مربوط از هستار دیگری است که مرتبط با معنای سر و دل هستند.

با توجه به هدف پژوهش پیش‌رو، بررسی و تحلیل چندمعنایی سازه مشترک نامه درون واژه‌های پیچیده در چارچوب صرف ساختی (بوی، ۲۰۱۰) مبانی نظری این جستار مشتمل بر دو بخش است که در ادامه به توضیح آن‌ها پرداخته شده است.

۴. ۱ صرف ساختی

صرف ساختی به عنوان یکی از نظریه‌های مطرح در زبان‌شناسی شناختی، چارچوبی برای بررسی انواع الگوهای ساخت‌واژه‌ای و واژه‌سازی است که پژوهشگران مختلف این حوزه به معرفی و تکامل نظری آن همت گماشته‌اند؛ از جمله بوی (۲۰۱۰ب) که به معرفی جامع و بسط ویژه این چارچوب با تأسی از مفهوم قدیمی و بحث‌برانگیز ساخت پرداخته است. نقطه عزیمت بوی برای بسط این مفهوم، به صورت خاص به واحدهای تحلیل حوزه ساخت‌واژه، مجموعه نظریه‌های دستور ساختی بوده است که زبان‌شناسانی از جمله فیلمور^۱ و کی^۲ (۱۹۹۳)، گلدبرگ^۳ (۱۹۹۵، ۲۰۰۶)، کولی‌کاور^۴ و جکندوف^۵ (۲۰۰۵) و کرافت^۶ (۲۰۰۱) برای بررسی ساخت‌ها و واحدهای نحوی به کار گرفته‌اند و در خلال بررسی‌هایشان شباهت میان ساخت‌های نحوی و واحدهای واژگانی را به خاطر وجود تداعی نظام‌مند بین صورت و معنی، درجات مختلف ترکیب‌پذیری^۷ معنایی و پیش‌بینی‌پذیری^۸ نسبی اثبات کرده‌اند. بدین ترتیب، محدوده‌ای از ساختارهای نحوی از جمله‌ها و گروه‌های نحوی تا اصطلاحات و انواع ترکیب و اشتقاق را ساخت یا جفت‌های نظام‌مند صورت و معنی (بوی، ۲۰۱۰: ۱۱) در نظر می‌گیرند که به مثابه الگوهای کلی و طرح‌واره‌ای با بالاترین درجه انتزاع از خلال تعمیم اشتراک‌های میان ساخت‌های منفرد که درجه انتزاع کمتری دارند، در واژگان ذهنی زبانوران یک زبان جای می‌گیرند (بوی، ۲۰۱۰الف).

^۱ Fillmore

^۲ Kay

^۳ Goldberg

^۴ Culicover

^۵ Jackendoff

^۶ Croft

^۷ compositionality

^۸ predictability

میکائلز^۹ و لم‌برشت^{۱۰} (۱۹۹۶: ۲۱۶) دستور ساختی را بازنمایانندهٔ جفت‌شدگی‌های سه‌بخش صورت-معنی-نقش می‌دانند که در آن تمایز واژه‌ها با ساخت‌های دستوری، تنها با توجه به پیچیدگی درونی‌شان تشخیص داده می‌شود. این بازنمایی ساختی که بر هم‌ارزی صورت-معنی تأکید دارد، یادآور مفهوم نشانهٔ سوسوری است که بعدها لانگاکر^{۱۱} (۱۹۸۷) در انگارهٔ دستور شناختی به آن بازمی‌گردد، بر عدم تقدم و تأخر صورت و معنی بر یکدیگر تأکید دارد. این برداشت در مقابل انواع رویکردهای صورت‌گرا از جمله زایشی و رویکردهای نقش‌گرا قرار می‌گیرد. در صرف ساختی نیز اعتقاد بر این است که جفت‌های نظام‌مند صورت و معنی با هم فعال می‌شوند و زبانوران آن‌ها را به‌عنوان الگویی تعمیمی از مقوله‌های ساخت‌واژه‌ای پیچیده اتخاذ می‌کنند. از نظر جکندوف (۲۰۰۷) و کولی‌کاور و جکندوف (۲۰۰۵، ۲۰۰۶) در سطح واژه‌ها، صورت-معنی حاصل جفت‌شدگی سه نوع اطلاعات معنایی، واجی و واژ-نحوی است. ساخت‌واژه بر هر سه نوع این اطلاعات تأثیرگذار است. بدین ترتیب، به معماری سه‌سویهٔ دستور نیاز است. بر همین اساس، بوی (۲۰۱۰) تمامی اطلاعات و ویژگی‌های هر واحد ساختی به مثابه نشانهٔ زبانی را به شکل زیر بازنمایی می‌کند.



شکل ۱- ساخت در رویکرد صرف ساختی (کرافت، ۲۰۰۷: ۴۷۲)

بر اساس صرف ساختی، بررسی ساخت‌ها تنها از جهت صوری یا معنایی کافی نیست و در این دستور، الگوهای صرفی از طریق طرح‌واره‌های ساختی تبیین می‌شوند. صرف ساختی با

^۹ Michaelis

^{۱۰} Lambrecht

^{۱۱} Langacker

واژه‌ها و الگوهای بزرگ‌تر از واژه به صورتی مشابه رفتار کرده و آن‌ها را مانند یک واژه یا عبارت ذخیره شده در نظر می‌گیرد (گلدبرگ، ۲۰۰۹: ۲۰۱). از دیدگاه صرف ساختی، واژگان دارای ساختار نظام‌مند و سلسله‌مراتبی هستند. گنجینه واژگان مجموعه‌ای از واژه‌های ساده، واژه‌های غیرساده با معنایی قراردادی و منحصر به فرد و عبارت چندواژه‌ای است. همچنین در این رویکرد، میان واژه‌ها در واژگان روابط شبکه‌ای موجود است و واژه‌ها مستقل از همدیگر نیستند. مسئله دیگر در صرف ساختی، ویژگی طرح‌واره‌بنیان بودن آن نسبت به سایر رویکردهای موجود در بررسی الگوهای ساخت‌واژی است. در این رویکرد، هدف دستیابی به تعمیم‌هایی در سطح طرح‌واره‌های ساختی است و نه تعمیم‌هایی در سطح قاعده. بنابراین اگر زبانوران هر زبان الگویی تعمیمی از واژه‌هایی مشابه که دارای تغییر نظام‌مند صورت و معنی هستند در ذهن ایجاد کنند، پس می‌توان گفت که این الگوها انتزاع می‌شوند. این انتزاع در سطح بازنمایی انگاره‌ای خواهد بود که جفت‌شدگی نظام‌مند همسسته‌های صورت و معنی مقوله‌های ساخت‌واژه‌ای پیچیده را به دست می‌دهد و به این انگاره طرح‌واره ساختی گفته می‌شود. این طرح‌واره‌های ساختی هم بیانگر تعمیم‌های واژه‌های موجود پیچیده و صورت‌های واژه‌ها است و هم الگوهایی برای تولید واژه‌های جدید فراهم می‌کند (بوی، ۲۰۱۰الف). واژه‌های پیچیده اگر متعارف شوند و منحصر به فرد باشند در فهرست واژگان ذهنی زبانوران ذخیره می‌شوند و هر بار تولید آن‌ها عملیاتی دستوری است که آن‌ها را برون‌دادها یا به عبارتی نمونه‌یافتگی‌های^۱ طرح‌واره‌های ساختی می‌سازد که صورت و معنایشان به خاطر تبعیت از طرح‌واره تاحدی پیش‌بینی پذیر است.

طرح‌واره‌ها با بیان ویژگی‌های عمومی و مشترک میان واژه‌های پیچیده حاوی یک سازه مشترک، مجوز تولید نوواژه‌های مورد نیاز در زبان را صادر می‌کنند. در همین راستا، اولین مفهوم مترتب بر قائل شدن به طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌های ساختی وراثت پیش فرض^۲ خواهد بود. به عبارتی، تمام سطوح زیرطرح‌واره‌ها وارث خصوصیات صوری و معنایی طرح‌واره‌های بالاتر از خود خواهند بود؛ مگر آنکه مدخل واژگانی یک واژه منفرد، خود، دارای مشخصات دیگری برای آن ویژگی‌ها (بوی، ۲۰۱۰ب: ۲۷) باشد. با توجه به وراثت پیش فرض،

^۱ instantiation

^۲ default inheritance

برخی از نمون یافته‌ها می‌توانند این خصوصیات را نادیده بگیرند.^۱ دومین مفهوم در طرح‌واره‌های ساختی نقش انگیزشی وراثت است. دقیق‌تر اینکه، رابطه بین طرح‌واره و واژه‌های وابسته آن از نوع انگیزخته است (بوی، ۲۰۱۳). اما انگیزتگی ماهیتی مدرج دارد. گاهی در برخی از نوواژه‌ها، رابطه صورت و معنی آن‌ها کاملاً منطبق بر طرح‌واره ناظر نیست و نمی‌توان آن‌ها را وابسته به آن طرح‌واره در نظر گرفت. به عبارتی، مدرج بودن انگیزتگی به این معنی است که ممکن است مشخصه‌هایی در یک واژه پیچیده وابسته به یک طرح‌واره وجود داشته باشد که توسط یک طرح‌واره انگیزخته نشده باشند.

۴. ۲ صرف ساختی و چندمعنایی

در زبان آنچه همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه معنا و ساخت واژه بوده است، پدیده چندمعنایی واژه‌های منفرد، وندها و اساساً ساخت‌های زبانی است. بوی (۲۰۰۷) در مدل طرح‌واره‌های ساختی خود، بسط معانی مختلف در واژه‌های پیچیده مشتق از طرح‌واره‌های ساختی را با وام‌گیری مفهوم پراکنش معنایی راینر^۲ (۲۰۰۳)، معادل ایجاد زیرطرح‌واره‌های مختلف درون سلسله‌مراتب واژگانی می‌داند. در واقع، طرح‌واره کلی انتزاعی هر گروه از واژه‌های پیچیده مشتق از آن طرح‌واره واحد، به مثابه سرنمونه معنایی است که پراکنش معنایی باعث ایجاد زیرطرح‌واره‌های مختلف می‌شود. نکته مهم این است که علت اصلی (هم‌زمانی) ایجاد پراکنش معنایی درون زیرطرح‌واره‌های واژگان سلسله‌مراتبی و به عبارتی چندمعناشدن مقوله‌های ساخت‌واژه‌ای (مانند یک وندها و ارتباط تعابیر گوناگون آن‌ها، سازوکارهای‌های مختلف بسط معنایی نظیر مجاز، استعاره و طرح‌واره‌های تصویری است که باید به‌مثابه نیروی برانگیزنده پشت این الگوی چندمعنایی واژگان سلسله‌مراتبی در نظر گرفته شوند (بوی، ۲۰۰۷). طرح‌واره‌های تصویری یکی از مفاهیم پایه در زبان‌شناسی شناختی هستند که ریشه در تجربه‌های پیش‌زبانی جسمی شده ما شامل تجربه‌های ادراکی و حرکتی دارند. اصطلاح تصویری به تجربه ما از جهان خارج و در تعامل با قوای ادراکی ما (مثل قوای دیداری و لامسه و...) اشاره دارد (ایوانز^۳ و گرین^۱، ۲۰۰۶: ۱۷۸). طرح‌واره‌ها چکیده و

^۱ override

^۲ Rainer

^۳ Evanz

بازنمایی‌های ساده‌شده و آرمانی تجربه‌هایی هستند که انسان به‌صورت مکرر با آن‌ها سروکار دارد. بنابراین طرح‌واره‌های تصویری مفاهیمی با جزئیات و معادل تصاویر خاص نیستند، بلکه انتزاعی هستند برای مثال می‌توان طرح‌واره ظرف و مظروف را مثال زد. تجربه انسان از اسیربودن در حجمیت و مشاهده مکرر فرارگرفتن دسته‌ای از چیزها به‌عنوان جای‌گیرنده درون چیزهای دیگر به‌عنوان جای‌دهنده، باعث شکل‌گیری این طرح‌واره تصویری است که براساس آن شمار زیادی از اشیاء و موجودیت‌ها را به‌عنوان مثال‌های خاصی از این طرح‌واره مقوله‌بندی می‌کنند؛ مانند خانه، کابینت و لباس. به گفته تالمی (۲۰۰۰) نقش طرح‌واره‌های تصویری در بررسی چندمعنایی واژه‌های پیچیده فراهم‌کردن ساختار معنایی و تداعی معانی با واژه‌ها و عناصر دیگر است. به‌علاوه، از آنجاکه این ساختارهای مفهومی طرح‌واره‌های تصویری را منعکس می‌کنند، این معانی طرح‌واره‌ای هستند که مستقیماً به جنبه‌های بنیادی شناخت بدنمند مربوط هستند که می‌توان آن‌ها را به سیستم‌های طرح‌واره‌ای مرتبط کرد.

در رابطه با استعاره باید گفت، اگر استعاره را با اندکی فراروی از خوانش لیکافی^۲ (۱۹۹۳) و به پیروی از گرادی^۳ (۱۹۹۷) معادل سطحی مفهومی در نظر بگیریم که به منظور درک و شناخت حوزه‌هایی از تجربه‌های بنیادی که در سطح پایین‌تری از ناخودآگاه قرار دارند و ساختاری دور از دسترس‌تر دارند (مانند عمل فهمیدن) به‌مثابه حوزه مقصد، فرافکنی‌هایی شامل نداشت‌هایی از حوزه‌هایی که بیشتر از تجربه‌های حسی-حرکتی و تصویری هستند به مثاب حوزه مبدأ (مانند در معرض دید قرارگرفتن) بر آن‌ها انجام می‌شود. یکی دیگر از مکانیسم‌هایی که به باور بوی (۲۰۰۷) می‌تواند باعث بسط معنی ساخت‌های واژه‌های پیچیده شود مجاز است. مجاز بر خلاف استعاره، فرافکنی بین حوزه‌ای نیست. به جایش، یک موجودیت جای دیگری می‌نشیند، چون هر دو مفهوم به صورت هم‌زمان در حوزه‌ای مشابه وجود دارند. به عبارتی مجاز در سطح زبان هم‌چون عبارتی ارجاعی است که نشان می‌دهد موجودیتی مفهومی به عنوان ابزار دسترسی به‌جای حوزه مفهومی کلان‌تری که به آن تعلق دارد، یا ابزار دسترسی به‌جای دیگر موجودیت‌های مفهومی قرین آن مفهوم که به حوزه مشابهی تعلق دارند، به عنوان حوزه مقصد جانشین می‌شود و به عبارتی آن‌ها را برجسته می‌کند.

۱ Green

۲ Lakoff

۳ Grady

به علاوه حتی می‌تواند برای دانش دایرةالمعارفی کلانی که موجودیت مفهومی منعکس کننده آن در سطح واژگانی است، دسترسی ایجاد کند (برگرفته از لانگاکر، ۱۹۹۳؛ لیکاف و ترنر، ۱۹۸۹، کووچش^۲ و رادن^۳، ۱۹۹۸ و کرافت، ۱۹۹۳، در ایوانز و گرین، ۲۰۰۶).

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش انواع واژه‌های پیچیده حاوی سازه مشترک نامه از دیدگاه صرف ساختی (بوی، ۲۰۱۰) و فرایندهای مفهومی شناختی دخیل در آن‌ها شامل طرح‌واره تصویری، مجاز و استعاره مورد بررسی قرار می‌گیرند. واژه‌های مورد نظر در ۱۲ گروه طبقه‌بندی شدند: ۱. مجموعه/گردایه، ۲. داستان، ۳. نامه، ۴. فهرست/سیاهه، ۵. قرارداد، ۶. گزارش، ۷. سند/مدرک، ۸. جواز، ۹. قوانین/اصول، ۱۰. حکم، ۱۱. نشریه، ۱۲. ترکیب‌های ناپایگانی. در ادامه به هر یک از گروه‌ها به تفصیل پرداخته می‌شود.^۴

۵. ۱ مجموعه/گردایه

در برخی از واژه‌هایی که دارای سازه مشترک نامه هستند، معنایی معادل مجموعه/گردایه در کل ترکیب برجسته می‌شود؛ مانند اصطلاح‌نامه، دانش‌نامه (دایرةالمعارف)، زندگی‌نامه، نمایش‌نامه و یادنامه. بازنمایی طرح‌واره ساختی این گروه به صورت زیر است:

<[[مجموعه/گردایه‌ای از []]] ← [] - []> ۱.

۱ Turner

۲ Kövecses

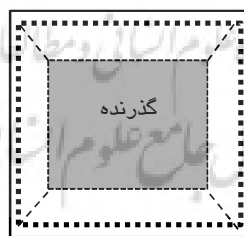
۳ Radden

۴. لازم به ذکر است که به اعتقاد بوی و هونینگ (۲۰۱۴: ۸۷)، مواردی که معنای شبه‌وندی دارند و به عبارتی دارای معنای مقیدی هستند که نمی‌توان آن‌ها را در خارج از بافت کلمات پیچیده به صورت مستقل به کاربرد برد، اما درجه زایایی چندان بالایی ندارند، بهتر است زیرطرح‌واره در نظر گرفته شوند؛ زیرا وجود زیرطرح‌واره لزوماً به این معنی نیست که آن الگوی خاص با معنی مقید درجه زایایی بالایی دارد. بنابراین زیرطرح‌واره‌های مشخص شده منطبق با معنی مقید خاص، در این بخش ممکن است لزوماً الگوی چندان زایایی را ارائه نکنند. ضمن اینکه باید در نظر گرفت که ارتباط پیچیده زایایی با قیاس و ساخت نوواژه‌ها می‌تواند به بسط طبقه‌ای با معنی مقید خاص منجر شود و در آینده درجه زایایی زیرطرح‌واره کم‌تر زایا را بالا ببرد. به اعتقاد آن‌ها (۲۰۱۴: ۸۷)، نمونه‌یافتگی‌های منحصربه‌فرد و بسیار کم تعداد طرح‌واره‌ها وضعیتی ثانویه دارند.

در رابطه با واکاوی معنی ایجادشده در این زیرطرح‌واره ساختی، که می‌توان آن را زیرطرح‌واره ساختی مجموعه/گردایه نامید، دو نکته مطرح می‌شود:

۱. فرایند مفهومی‌ای که باعث انشعاب این زیرطرح‌واره می‌شود، نوعی از طرح‌واره‌های جای‌دهندگی (ظرف) است که با خاص‌تر کردن طرح‌واره جای‌دهندگی برای نامه، سازه مشترک درون ترکیب سبب انشعاب زیرطرح‌واره ساختی مجموعه/گردایه می‌شود. نامه در کاربرد آزاد واژگانی خود، علاوه بر معنی نوشته‌مراسله‌ای و پستی، به معنی هر گونه نوشته اداری تحویل‌دانی است (سخن، ۱۳۸۲، ص. ۷۷۰۲)؛ یعنی ورقی حاوی محتوایی که در مراودات اداری بین ارباب‌رجوع و اعضاء اداری یک مجموعه و درون آن مجموعه جابه‌جا می‌شود. از این رو، طرح‌واره سطح-محتوا از گروه طرح‌واره جای‌دهنده (ظرف)، برای این مفهوم فعال است. در واقع کاغذ چون بر آن نوشته می‌شود، سطح است. همچنین کاغذها اغلب به مثابه ظرف‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که نوشته‌ها در آن‌ها جای داده می‌شوند. به عبارتی، نوشته‌ها در آن‌ها منقوش و محکوک می‌شوند؛ بنابراین به صورت طفیلی همواره همراه آن‌ها هستند و با آن‌ها تداعی می‌شود. بنابراین کاغذ، ظرفی به صورت سطح است (با درجه بیشتری از انتزاع برای فرض ظرف) و مرزنامه‌ای است که نوشته‌ها به مثابه محتواهایی که منقوش، محکوک و همیشگی هستند، گذرنده محسوب می‌شوند (لی، ۲۰۰۲: ۳).^۱ می‌توان طرح‌واره تصویری سطح-محتوا را که معنای نامه آن را بازتاب می‌دهد، به صورت زیر بازنمایی کرد.

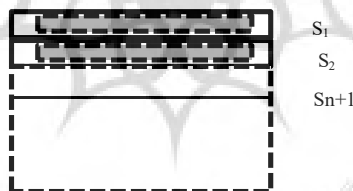
مرزنا



شکل ۲: طرح‌واره تصویری ناظر بر مفهوم نامه

۱. مفاهیم مرزنا و گذرنده با تکیه بر لی (۲۰۰۲: ۳)، به ترتیب عبارتند از: موجودیتی که موقعیت موجودیت دیگری با توجه به آن تعیین می‌شود و موجودیتی که موقعیتش با توجه به مرزنا تعیین می‌شود. مفهوم پرور نیز اصطلاحی است که در زبان‌شناسی شناختی به جای زبانور به کار می‌رود زیرا اعتقاد بر این است که این مفهوم است که در ابتدا توسط انسان با توجه به برداشتش از رویدادها ساخته یا فعال می‌شود.

ایوانز و گرین (۲۰۰۶: ۱۸۲) تأکید می‌کنند که طرح‌واره‌های تصویری می‌توانند صاحب درجات مختلفی از طرح‌وارگی باشند، به‌گونه‌ای که طرح‌واره‌های تصویری خاص‌تر از طرح‌واره‌های تصویری پایه‌ای‌تر به‌وجود می‌آیند. بنابراین طرح‌واره‌های تصویری به شیوه‌های مختلفی برای رمزگذاری مفاهیم گوناگون در ساختارهای معنایی خاص می‌شوند. از این رو، اگر تکرار طرح‌واره ۱ را با ترتیب زمانی و مکانی مکرری در نظر بگیریم که روی هم قرار بگیرند؛ مانند قرارگرفتن سریع کاغذها روی هم پس از بیرون آمدن از دستگاه چاپ، طرح‌واره تکرار دخیل خواهد شد. در اینجا سطح-محتوای مکرر همان مفهوم مجموعه/گردایه را به‌دست می‌دهند. طرح‌واره ناظر بر مفهوم مجموعه/گردایه را می‌توان به‌صورت زیر در نظر گرفت. به گفته هدبلوم^۲ و همکاران (۲۰۱۹: ۲۸۴-۲۸۵) زمانی که طرح‌واره‌ها برای توصیف مفهومی به جز خصوصیات خودشان به‌کار گرفته می‌شوند، با طرح‌واره جمعی^۳ سروکار داریم و زمانی که فرایندی تکرار شود با طرح‌واره تکرار مواجهیم. در مورد طرح‌واره ناظر بر مجموعه/گردایه نیز، دو طرح‌واره یادشده همان‌گونه که در شکل ۳ مشخص است، باعث خاص شدن طرح‌واره ظرف و سطح-محتوا می‌شوند.



شکل ۳- طرح‌واره جمعی نامه ناظر بر مفهوم مجموعه/گردایه

۱. لازم به ذکر است همان‌طور که هامپ (۲۰۰۵: ۴) می‌گوید در طرح‌واره به‌خاطر اشتراک‌های بین حوزه‌های علمی مختلف و عدم وجود هم‌گرایی بین آنها، اختلاف‌نظرهایی بر سر تعریف جامع و مانع از طرح‌واره وجود دارد، بنابراین می‌توان گفت که با وجود دسته‌بندی‌هایی برای طرح‌واره‌های مرتبط به‌هم و تعریف‌هایی برای چگونگی ارتباط آنها با سطح زبانی در زبان‌شناسی شناختی از جمله کلاسنر و کرافت (۱۹۹۰)، تصمیم‌گیری در مورد شیوه خاص شدن آنها یا کاربردشان در سطح واژگان، بر مبنای برداشت پژوهشگر است.

^۲ Hedblom

^۳ collection

^۴ iteration

در طرح‌واره شکل (۳)، S نشانه یک سطح خواهد بود که می‌تواند تا هر تعداد (n+1) ادامه یابد و جای‌دهنده فرضی (مربع خط‌چین) آن را محدود کند.

۲. معنی مجموعه/گردایه به معنی کتاب مرتبط است. این معنی که معادل نامک از ریشه پهلوی بوده است (مکنزی، ۱۳۷۳، ۱۰۹) به معنی کتاب بوده و برای ارجاع به هر کتابی با موضوعی خاص به کار می‌رفته است (مثل الهی‌نامه، پندنامه، سفرنامه). اکنون نامه با معنایی نزدیک به معنای نوشته و رقع به کار می‌رود و دیگر در معنای کتاب کاربرد ندارد. اما با دقت در زیرطرح‌واره ساختی مجموعه/گردایه می‌توان متوجه وجود بقایای معنی کتاب شد. هاپر (۱۹۹۱) از این پدیده به عنوان ثبات یاد می‌کند. این پدیده خود یادآور پدیده انشقاق به معنای کاربرد هم‌زمان جزءهای واژگانی به صورت سازه مشترک در واژه‌های پیچیده با معنی (های) مفید و واژه آزاد واژگانی با معنی (های) اولیه است (هاپر، ۱۹۹۱).

۲.۵ داستان

در تعدادی از واژه‌های زیرطرح‌واره مجموعه/گردایه، مفهوم داستان در کل ترکیب برجسته است که عبارتند از: زندگی‌نامه، سفرنامه، فال‌نامه، فیلم‌نامه و نمایش‌نامه. ایجاد این بسط معنی و تشکیل زیرطرح‌واره ساختی مجزا را می‌توان حاصل از فرایند مجاز دانست.^۴ مجاز مسئول برای شکل‌گیری این زیرطرح‌واره مجاز محصول به‌جای فرایند است؛ برای مثال زندگی یا فال به‌جای/ با ارجاع به داستان زندگی یا فال. زیرطرح‌واره ساختی این گروه نسبت به زیرطرح‌واره مجموعه/گردایه به صورت زیر است:

>[مجموعه/گردایه ای از] [SEM] - [SEM] - [SEM]

3. <[[SEM]_i - name]_{Nj} - [[SEM]_i - name]_{Nj}>

۱ persistence

۲ split

۳ Hopper

۴. با توجه به تعریف گسترده‌ای که مجاز دارد، بوی (۲۰۰۷) به جانشینی اجزای جمله و موضوع‌های فعل به‌جای یکدیگر یا به‌جای خود فعل تأکید دارد. بررسی داده‌های موجود در پژوهش حاضر نشان داد که در بسیاری موارد نوع روابط مجاز در این تقسیم‌بندی‌ها نمی‌گنجد و انواع مجاز برای بخش‌های پایه واژه‌های پیچیده، با توجه به برداشت نگارندگان و تأسی از بوی (۲۰۰۷) در مورد روابط مجازی فعل و موضوع‌های آن است.

۵. ۴ فهرست / سیاهه

واژه‌های پیچیده حاوی سازه مشترک *نامه* که معنایی معادل فهرست/ سیاهه را برجسته می‌کنند، زیرطرح‌واره ساختی‌شان با اختصاصی‌تر شدن طرح‌واره تصویری دخیل در آن، منشعب می‌شود. این ترکیب‌ها شامل بارنامه، پاسخ‌نامه، تفصیل‌نامه، مبیعه‌نامه، مرام‌نامه، نسب‌نامه، وصیت‌نامه، عهدنامه/ پیمان‌نامه، کارنامه و ... هستند. طرح‌واره تصویری ناظر بر این زیرطرح‌واره ساختی، طرح‌واره سطح-محتوا مانند بخش‌های قبل است، با این تفاوت که برای مفهوم فهرست/ سیاهه، طرح‌واره تکرار دخیل می‌شود و گذرنده‌ها متکثر می‌شوند و معنی فهرست برجسته می‌شود. در واژه‌های این گروه نیز فرایندهای مجاز و استعاره دخیل هستند و به برجسته‌شدن مفهوم فهرست/ سیاهه کمک می‌کنند. برای مثال در سازش‌نامه، پرسش‌نامه و معرفی‌نامه به ترتیب بخش پایه حاصل مجاز است؛ مانند سازش به جای شرایط سازش (صلح) (مجاز هدف به جای رخداد)، پرسش به جای فهرست پرسش‌ها (مجاز جز به جای کل)، معرفی به جای ویژگی‌های معرفی‌شده (مجاز کنش به جای پذیرنده). همچنین در واژه پیچیده شجره‌نامه، شجره به معنای درخت، در وهله اول حاصل فرافکنی استعاری است. به عبارتی روابط نسبی-نسلی شجره (درخت) هستند. از طرف دیگر، شجره‌نامه حاصل روابط نسبی-نسلی درخت است. در شجره‌نامه، جزئیات شاخه‌های شجره مدنظر است که همان روابط نسبی-نسلی‌اند و جانشینی شجره به جای کل آن، حاصل مجاز است. دقت در معنی واژه‌های این گروه نشان می‌دهد که در همه آن‌ها مجموعه‌ای از موارد، شرایط، نتایج، ویژگی‌ها وجود داشته‌است که فهرست شده‌اند یا جزئیاتی در رابطه با آن‌ها آمده‌است. طرح‌واره تصویری این گروه به صورت زیر است:

شکل ۵- طرح‌واره تصویری *نامه* ناظر بر مفهوم فهرست / سیاهه

در طرح‌واره شکل (۵)، TR نشانه گذرنده و فهرست هستند است که می‌توانند تا $n+1$ ادامه یابند مربع بزرگ‌تر دارای خط ممتد و مربع کوچک‌تر خط‌چین داخل آن، مانند طرح‌واره تصویری پایه *نامه* نشانه طرف-سطح با مرز فرضی جای دهنده‌گی است که مرزنا قرار می‌گیرد. زیرطرح‌واره ساختی سیاهه/ فهرست به صورت زیر خواهد بود:

۵. <[فهرست / سیاههٔ مربوط به [SEM_i]]> - [[x]_{Ni} - name]_{Nj}

۵.۵ قرارداد

مرتبط با طرح‌وارهٔ ساختی فهرست / سیاهه، زیرطرح‌واره‌ای می‌توان از آن منشعب کرد که مفهوم قرارداد را در کل ترکیب برجسته می‌کند. واژه‌های متعلق به این زیرطرح‌واره، در نتیجه دخالت فرایند مجاز کنش به‌جای کل رخداد است که این مفهوم را برجسته می‌کنند؛ زمانی که کنش معطوف به دو کنشگر برجسته می‌شود، طرح‌وارهٔ ساختی مجزایی شکل می‌گیرد. تفاهم‌نامه، سازش‌نامه / صلح‌نامه، قرارنامه / شرط‌نامه، قول‌نامه، بیع‌نامه / مبیعه‌نامه، موافقت‌نامه و مقاله‌نامه واژه‌های پیچیده مشتق از این زیرطرح‌وارهٔ ساختی را تشکیل می‌دهند. این زیرطرح‌واره در ارتباط با زیرطرح‌وارهٔ فهرست / سیاهه به‌صورت زیر است:

۶. <[فهرست / سیاههٔ [SEM_i]]> - [[x]_{Ni} - name]_{Nj}

7. <[قرارداد مربوط به کنش معطوف به کنشگران [SEM_i]]> - [[x]_{Ni} - name]_{Nj}

۶.۵ گزارش

دسته دیگری که در ارتباط با طرح‌وارهٔ فهرست / سیاهه می‌توان تصور کرد، مربوط به ترکیب‌هایی است که در آن‌ها نامه مفهوم گزارش را در کل ترکیب برجسته می‌کند. در واژه‌های مختلف این گروه، مجاز مسئول ایجاد معنی گزارش است. در انواع مجاز کل رخداد مربوط به آن گزارش به‌عنوان حوزهٔ کلان‌تر در دسترس قرار می‌گیرد. هر چند مواردی خاص از ترکیب‌های گروه فهرست / سیاهه که کنش‌های معطوف به گذشته هستند، معنی گزارش را برجسته می‌کنند؛ زیرا آنچه در نوشته آمده گزارش موارد معطوف به کنش است:

۱. کارنامه : کار به‌جای / با ارجاع به فهرست گزارش نمره‌ها (کارت‌تحصیلی) - مجاز جز

به‌جای کل

۲. قطع‌نامه: قطع به‌جای / با ارجاع به گزارش نتایج قطعی (پایان) - مجاز نتیجه به‌جای

رخداد

۳. موافقت‌نامه: موافقت به‌جای / با ارجاع به گزارش موارد مورد توافق - مجاز کنش به‌جای

کل رخداد

۴. مصالحه‌نامه: مصالحه به‌جای/ با ارجاع به گزارش موارد مورد مصالحه- مجاز کنش به‌جای کل رخداد

۵. مبیاعه‌نامه: مبیاعه به‌جای/ با ارجاع به گزارش موارد مورد مبیاعه- مجاز کنش به‌جای کل رخداد

۶. غم‌نامه: غم به‌جای/ با ارجاع به گزارش وضعیت غمگین‌بودن- مجاز پذیرنده به‌جای کل وضعیت

زیرطرح‌واره ساختی ناظر بر این گروه در ارتباط با این گروه به‌صورت زیر است:

۸. $[[SEM_i]]_{Ni}$ [فهرست/ سیاهه مربوط به $[[SEM_i]]_{Ni}$]

9. $<[[[x]_{Ni} - name]_{Ni} [SEM_i]]_{Ni}>$ [گزارش مرتبط با کنش مربوط به SEM_i]

۵. ۷ سند/ مدرک

در این گروه، زیرطرح‌واره ساختی منشعب از طرح‌واره کلی، مفهوم سند/ مدرک را برجسته می‌کند. انشعاب این زیرطرح‌واره ساختی تحت‌تأثیر سطح-محتوایی است که به‌شکل طرح‌واره تصویری توانایی از گروه طرح‌واره‌های نیرو و درآمده است. به این صورت که سطح محتوا خود به مثابه شیئی در حوزه نیرو قرار می‌گیرد و می‌توان با آن اعمال نیرو کرد. ایوانز و گرین (۲۰۰۶: ۱۸۸) بر اساس ویژگی‌هایی که جانسون (۱۹۸۷) برای گروه طرح‌واره‌های نیرو در نظر می‌گیرد، این طرح‌واره را نشئت‌گرفته از درک ما از وجود انرژی بالقوه یا نبود آن در رابطه با انجام کاری خاص می‌دانند و تأکید می‌کنند که محور نیروی این طرح‌واره، شامل نیروی واقعی نیست، بلکه شامل نیروی بالقوه است. خاص‌شدگی این طرح‌واره از طریق فرایند ادغام انجام می‌پذیرد. هدبلوم و همکاران (۲۰۱۹: ۲۸۴) استدلال می‌کنند که طرح‌واره‌های پایه می‌توانند در غالب طرح‌واره‌های پیچیده ادغام شوند و زمانی که این اتفاق می‌افتد، این‌گونه طرح‌واره‌ها مانند مقاطعی هستند که نشان‌دهنده همپوشانی خانواده‌های طرح‌واره‌های مختلف هستند. به این علت که این گروه از ترکیب‌های نامه نوشته‌هایی هستند

۱ enablement

۲ force schema

۳ Merge

که دارندۀ آنها می‌تواند آنها را به‌عنوان سند یا مدرک استفاده کند، هرچند به‌لحاظ قانونی الزام‌آور نیستند. ترکیب‌هایی مانند اجازه‌نامه، وصیت‌نامه، وقف‌نامه، دانش‌نامه (مدرک دانشگاهی)، معرفی‌نامه و احضارنامه مواردی هستند که برای زیرطرح‌واره ساختی سند/ مدرک شناسایی شدند. طرح‌واره تصویری جمعی مسئول پراکنش معنایی و ایجاد این زیرطرح‌واره ساختی را می‌توان به‌صورت زیر نشان داد.

شکل ۶- طرح‌واره تصویری ادغامی توانایی و سطح-محتوای نامه ناظر بر مفهوم سند/ مدرک

همان‌طور که در شکل (۶) آشکار است، خط‌چین بیرونی نشانه مرز بیرونی سطح-محتوا یا مرزما و خط‌چین دورنی نشانه مرز دورنی آن است که مستطیل طوسی رنگ (مظروف/ گذرنده) درون آن جای گرفته است. شایان ذکر است که در واقع فاصله بین دو خط بیرونی و دورنی مرزما، نشان‌دهندۀ محدوده/ دیواره ظرف است. کل بازنمایی سطح-محتوا به‌شکل پیکان است، زیرا خود محور نیروی بالقوه است و به همین دلیل مرز بیرونی مرزما، خط‌چین شده است. در اینجا طرح‌واره سطح-محتوا خود در مقام محوری بالقوه از نیرو است که می‌تواند اعمال شود. در واقع، سطح دارای محتوا، انرژی بالقوه‌ای دارد که می‌تواند برای انجام کاری استفاده شود. استفاده آن به این علت که نوشته‌ای است دارای محتوای خاص که هم‌زمان از انرژی اثباتی نیز برخوردار است، سند یا مدرک می‌سازد. مانند دیگر زیرطرح‌واره‌ها در اعضای این زیرطرح‌واره نیز، فرایندهای مفهومی استعاره و مجاز دخیل هستند. برای مثال دانش‌نامه در این زیرطرح‌واره با معنایی دیگر نسبت به زیرطرح‌واره گردایه/ مجموعه حضور دارد. به این صورت که دانش حاصل مجاز دال به‌جای/ با ارجاع به مدلول است (دانش/ اطلاعات مبنی بر تأیید پایان تحصیلات). در شهادت‌نامه، شهادت به‌جای/ با ارجاع به گواهی مبنی بر گذاردن واحد درسی (مجاز با علاقه مشابه مورد قبلی) است. زیرطرح‌واره ساختی سند/ مدرک به‌صورت زیر بازنمایی می‌شود.

> [سند/ مدرک مربوط به □□□□] □□□□-□□□□ □□□□ □□□□ □□□□ □□□□

دو ترکیب گذرنامه و اجازه‌نامه معنی جواز/ مجوز را در کل ساخت برجسته می‌کنند. هر چند تنها سه عضو با این معنی شناسایی شدند اما شیوه‌ای دیگر از تأثیر طرح‌واره نیرو را در پشت خود دارند که می‌توان آن‌ها را معادل انشعاب زیرطرح‌واره‌ای مجزا در نظر گرفت که به صورت بالقوه الگویی برای ساخت واژه‌های پیچیده جدید با سازه مشترک *نامه* و با مفهوم مجوز است. طرح‌واره تصویری رفع مانع (با ادغام با طرح‌واره سطح-محتوا، مفهوم مجوز را در ساخت معنایی جفت‌شده با صورت این دو واژه رمزگذاری می‌کند. به گفته ایوانز و گرین (۲۰۰۶: ۱۸۸) طرح‌واره رفع مانع موقعیتی را دربرمی‌گیرد که مانع نیرو برطرف‌شده و انرژی اجازه آزادشدن یافته‌است. طرح‌واره سطح-محتوا درون طرح‌واره رفع مانع ادغام می‌شود، به‌صورتی که سطح محتوا خود منبع نیرو برای برطرف کردن مانع می‌شود. به عبارتی، نوشته سند/ مدرکی است که در مقام منبعی از نیرو مانع اعمال انرژی را برطرف می‌کند. بازنمایی این طرح‌واره تصویری به صورت زیر خواهد بود.

شکل ۷- طرح‌واره ادغامی سطح-محتوا و رفع مانع نامه ناظر بر مفهوم جواز

در بازنمایی این طرح‌واره ادغامی در شکل (۷)، پیکان ممتد نشانه انرژی بالفعل است که پس از اینکه سطح-محتوا که به شکل منبع نیرو درآمده (مرزنامای مشکی و گذرنده به شکل مستطیل طوسی خط‌چین‌دار در داخل)، مانع (مستطیل طوسی لبه پیکان) را برطرف کرد، به شکل انرژی بالقوه (پیکان خط‌چین) آزاد می‌شود. زیرطرح‌واره ساختی این گروه در ارتباط با زیرطرح‌واره سند/ مدرک:

> [z]سند/مدرک مربوط به [SEM_i] [SEM_i] - [SEM_j] [SEM_j]. ۱۱

12. <[[x]_{Ni} - name]_{Nj} [SEM_i است] [z]مدرک جواز SEM_i است >

زیر طرح‌واره دیگری که حاصل پراکنش معنایی است و مانند زیر طرح‌واره‌های سند/ مدرک و جواز تحت تأثیر طرح‌واره نیرو است، معنایی معادل قوانین/ اصول را در ترکیب‌های خود برجسته می‌کند. آیین‌نامه، اساس‌نامه، بخش‌نامه، تصویب‌نامه و نظام‌نامه از زیر طرح‌واره قوانین/ اصول منشعب می‌شوند. طرح‌واره نیروی دخیل، حالت اختصاصی شده و تعدیل شده طرح‌واره اجبار است که با طرح‌واره سطح-محتوا ادغام می‌شود. به گفته ایوانز و گرین (۲۰۰۶: ۱۸۷) این طرح‌واره از تجربه حرکت داده‌شدن به وسیله نیرویی خارجی نشئت می‌گیرد؛ مانند هل داده‌شدن و به جلو رانده‌شدن درون جمعیتی فشرده. هدبلوم و همکاران (۲۰۱۹: ۲۸۴) تأکید می‌کنند امکان حذف برخی ویژگی‌های طرح‌واره‌های پایه در جریان ادغام وجود دارد؛ در واقع، در آمیزش دو طرح‌واره ویژگی‌های آن‌ها به صورت گزینشی آمیخته می‌شود. در ادغام طرح‌واره اجبار با سطح-محتوا مانع حذف می‌شود و سطح-محتوا منبع نیرویی می‌شود که به صورت بالقوه می‌تواند انرژی آزاد کند، زیرا نوشته حاوی قوانین/ اصول لزوماً الزام قانونی ایجاد نمی‌کنند، بلکه تنها نیرویی بالقوه هستند. سطح-محتوا منبعی بالفعل از انرژی است که نیرویی بالقوه را رها می‌کند.

شکل ۸- طرح‌واره ادغامی سطح-محتوا و اجبار تعدیل شده نامه ناظر بر مفهوم قوانین/ اصول

در طرح‌واره شکل (۸)، مانند دو طرح‌واره قبل، سطح-محتوا به شکل محور نیرو درآمده است. بنابراین به شکل پیکان درآمده و پیکان خط‌چین خارج شده از آن، نشانه انرژی بالقوه‌ای است که می‌تواند از آن آزاد شود، اما برخلاف طرح‌واره شکل (۶) این انرژی بالقوه الزاماً با آن همراه است. درست مانند یک تکه سنگ در مقابل آهن‌ربا که از سنگ برای اعمال نیرو استفاده می‌شود اما کاربرد آن اغلب وابسته به کاربر است، در حالی که نیروی جذب مواد آهنی وابسته با آهن‌ربا است. زیر طرح‌واره ساختی سازه مشترک نامه در مفهوم قوانین/ اصول به صورت زیر خواهد بود:

> [SEM_i]j حاوی/ برای قوانین/ اصول است] - [SEM_i]j ۱۳.

اگر الزامی قانونی ایجاد شود، پس مشخصاً و اجباراً هر مانعی را از سر راه بر می‌دارد. در این حالت طرح‌واره اجبار با تمام ویژگی‌های خود با طرح‌واره سطح-محتوا ادغام می‌شود و مفهوم حکم را برای سازه مشترک *نامه* می‌دهد و آن را در کل ترکیب برجسته می‌کند. در این حالت طرح‌واره اجبار با شکل اصلی خود، مسئول یکی دیگر از زیرطرح‌واره‌های ساختی واژه‌های پیچیده دارای *نامه* است. ابلاغ‌نامه، استشهدانامه، تبرئه‌نامه، استوارنامه نمونه‌هایی از واژه‌هایی هستند که با رمزگذاری طرح‌واره اجبار در ادغام با سطح-محتوا در ساختار معنایی‌شان، زیرطرح‌واره ساختی مجزایی را تشکیل می‌دهند.

شکل ۹- طرح‌واره ادغامی سطح-محتوا و اجبار نامه ناظر بر مفهوم حکم

در طرح‌واره شکل (۹)، طرح‌واره سطح-محتوا به شکل، پیکانی با خط ممتد درآمده که گذرنده داخل آن قرار گرفته و مربع وسط، نشانه مانعی است که سطح-محتوا در مقام محور و منبع نیرو بر طرف می‌کند و انرژی‌ای آزاد می‌کند که پیکان خط‌چین نماد آن است. زیرطرح‌واره ساختی آن در زیر آورده شده است:

> [حکمی که SEM_i را الزامی می‌کند] - [] - [] . ۱۴

نکته قابل‌ذکر در مورد این زیرطرح‌واره و زیرطرح‌واره‌های قبلی، این است که کاربردهای متفاوت واژه‌های مشتق از *نامه* (به‌عنوان اشیایی در جهان خارج) و تحت‌تأثیر فرایندهای مفهومی می‌تواند معنی‌های متفاوتی را از واژه‌های یکسان ایجاد کنند که در نهایت با کمک فرایندهایی مانند استعاره می‌توان بسط استعاری در سطح واژه‌های منفرد ایجاد کرد و آن‌ها را هم‌زمان زیرمجموعه چند زیرطرح‌واره ساختی قرار داد. برای مثال ابلاغ‌نامه هم می‌تواند حکمی قانونی باشد که الزام ایجاد می‌کند و هم سندی معتبر که جنبه اثباتی داشته باشد، اما لزوم قانونی ندارد. از این رو، نگاشت استعاری بین *نامه* به مثابه سند/مدرك معتبر و اثباتی و هرآنچه در حوزه قانون مورد استفاده قرار می‌گیرد وجود دارد و می‌تواند بسته به کاربرد خاص در حوزه قانونی/دادگاهی واژه‌های زیرطرح‌واره سند/مدرك درون این زیرطرح‌واره قرار گیرند. مثال دیگر عهدنامه یا پیمان‌نامه است که هم عضو زیرطرح‌واره فهرست/سیاهه است و

هم عضو زیرطرح‌وارهٔ حکم. آنچه به صورت فهرست تنظیم شده (دارای گذرنده‌های مکرر) و معتبر است و می‌تواند با اعمال اجبار (نیرو) قانون هم باشد. بنابراین با نوعی بسط استعاری مواجه هستیم که عملکرد طرح‌واره در آن دخیل است. علاوه‌براین، نقش استعاره و مجاز در تعامل بخش پایه و پسایند در واژه‌های پیچیده نباید نادیده گرفته شود. به همین علت است که همبسته‌های معنایی تنها کلیتی معنایی از واژه‌هایی که بر اساس طرح‌واره ساخته می‌شوند، ارائه می‌دهند. برای مثال بخش /استوار/ در واژه استوارنامه حاصل مجاز است؛ استوار کردن اعتبار شخص یا کنش به جای کل رخداد.

۵. ۱۱ نشریه

آخرین زیرطرح‌واره‌ای که بخشی از پراکنش معنایی ساخت کلمات مشتق از نامه را نشان می‌دهد، مفهوم نشریه را برجسته می‌کند. این انشعاب، باز هم ناشی از همکاری طرح‌واره‌های تصویری است. مشخصاً نشریه‌ها، سطح-محتوایی مکرر هستند که بر محور زمان قرار می‌گیرند و پس از طی زمان‌هایی به مثابهٔ دوره ظاهر می‌شوند. زیرطرح‌وارهٔ این گروه متشکل از واژه‌های روزنامه، سال‌نامه، ماه‌نامه، هفته‌نامه و فصل‌نامه است. سطح-محتوایی مکرر که در زیرطرح‌وارهٔ مجموعه/گردایه توضیح داده شد، اشیایی هستند که در محور زمان، مثل ستاره‌ها و صورت‌های فلکی خاص با گذر دوره‌ای که از (روز تا سال) می‌تواند متغیر باشد، ظاهر می‌شوند. این طرح‌واره‌ها در واقع حاصل جمع شدن طرح‌وارهٔ مسیر^۱ با طرح‌وارهٔ جمع‌ی سطح-محتوا است. طرح‌وارهٔ مسیر به عنوان طرح‌واره‌ای فضایی، خود می‌تواند با زمان ادغام شود. زیرا مسیری است که زمان در آن طی می‌شود و در اینجا می‌توان نگاهی استعاری نیز قائل شد. از آنجاکه اولاً به گفته ایوانز و گرین (۲۰۰۶: ۳۰۱) بر اساس لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) مفاهیم خاصی ذاتاً طرح‌واره‌ای-تصویری هستند و ثانیاً در مقام مفاهیمی در دسترس تر و ملموس تر هستند که از تجربه‌های جسمی شده سرچشمه می‌گیرند و می‌توانند به عنوان حوزه‌های مبدأ استعاره عمل کنند. می‌توان سطح-محتواها را اشیایی در حرکت در نظر گرفت که بر محور زمان-مکان حرکت می‌کنند. حاصل همکاری طرح‌واره‌های تصویری دخیل را می‌توان به صورت زیر بازنمایی کرد.

شکل ۱۰- طرح‌واره جمعی سطح-محتوا و ادغامی مسیر-زمان نامه ناظر بر مفهوم نشریه

در طرح‌واره شکل (۱۰)، طرح‌واره‌های سطح-محتوا که درست مانند طرح‌واره ناظر بر مفهوم مجموعه/گردایه دارای گذرنده‌های مکرر است، به مثابه اشیایی بر محور مسیر-زمان (خط‌چین زمینه) هستند. زمان که با T نشان داده شده، می‌تواند از n تا n متغیر باشد. زیرطرح‌واره ساختی واژه‌های حاوی سازه مشترک نامه در مفهوم نشریه به صورت زیر خواهد بود:

> [نشریه‌ای که در هر SEM چاپ می‌شود] - [[]]] ۱۵.

لازم به ذکر است که واژه پیچیده شب‌نامه، بنا به قیاسی استعاره با واژه روزنامه ساخته شده است، روزنامه به عنوان نشریه حاوی اخبار روزانه، دارای اخبار آشکار و مجاز است. پس نوشته حاوی اخبار مخفی، محرمانه و غیرمجاز، شب‌نامه است. نگاشت آن از این قرار است؛ مخفیانه شب است. اما این استعاره، تشکیل زیرطرح‌واره ساختی مستقلی را نخواهد داد.

۱۲.۵ ترکیب‌های ناپایگانی

دسته‌ای که می‌توان آن‌ها را زیرطرح‌واره‌ای مستقل از طرح‌واره ساختی کلی و تعمیمی واژه‌های نامه-پایان در نظر گرفت، گروهی از واژه‌ها هستند که در صورت، قبل از سازه مشترک نامه، دو اسم یا یک اسم و صفت دارند؛ مانند خودزندگی نامه، خودزیست نامه، دوهفته نامه و دو ماه نامه. چنین واژه‌هایی در سنت مطالعات ساخت‌واژی به عنوان واژه‌های مرکب ناپایگانی^۱ معرفی می‌شوند، زیرا برای مثال برخلاف واژه‌ای مانند خردمندانه اجزا با ترتیبی سلسله‌مراتبی کنار هم قرار نگرفته‌اند و به علت عدم وجود واژه‌هایی مثل دوهفته یا خودزندگی، ساخت آن‌ها به یک‌باره و براساس قیاس با کلماتی مشابه که پایگانی‌اند، ارزیابی می‌شود. در چارچوب

^۱ non-hierarchical

صرف ساختی، برای ترکیب‌های چندواژه‌ای چه پایگانی و چه ناپایگانی، امکانی به نام یکپارچه‌سازی پیش‌بینی شده که باعث ساده‌سازی و مقتصدشدن دستور می‌شود و امکان ساخت واژه‌های پیچیده (شامل ناپایگانی و پایگانی) را به صورت مستقیم از بخش‌های پایه فراهم می‌کند. بوی و هونینگ^۱ (۲۰۱۴: ۱۰۵-۱۰۱) دسته‌ای از واژه‌های پیچیده هلندی و آلمانی را مثال می‌زنند که سازه مشترک آن‌ها واژه مشتقی است که یا فقط در چارچوب آن واژه‌های پیچیده به کار می‌رود و یا کاربرد آن‌ها به تنهایی معنایی متفاوت از معنای آن‌ها درون ساخت واژه‌های پیچیده را دارد. به این ترتیب، قرارگیری آن‌ها درون واژه‌های پیچیده را به عنوان واژه‌های مشتق حاصل باهم‌سازی و واژه‌های حاصل را مستقیماً از واژه پایه مشتق می‌دانند. عدم کاربرد واژه‌های مشتق به تنهایی و معنایافتن آن‌ها درون واژه‌های پیچیده دیگر را می‌توان به گونه‌ای دیگر تعبیر کرد. نبود واژه‌هایی مانند *دوماه* و *خودزندگی* به این معنی نیست که نمی‌توانیم برای آن‌ها ساختی معادل $[[X]_{N/A} N]$ در نظر بگیریم که بعداً در ساختی پیچیده‌تر با ساخت $[N][name]$ یکپارچه (باهم) می‌شود. یعنی واژه‌های معرفی شده در این بخش به صورت مستقیم از زندگی، زیست، هفته و ماه ساخته شدند. الگوهای مجزا و الگوی یکپارچه شده حاصل از آنها این گروه از واژه‌های *نامه-پایان* را که الگوی باهم‌سازی شده آن، با نادیده گرفتن خصوصیات صوری طرح‌واره بالاتر از خود ایجاد شده، به ترتیب، به صورت‌های زیر خواهند بود. البته الگوی باهم‌سازی شده سوپه معنایی همراه با خود را نیز نسبت به طرح‌واره بالاتر متمایز می‌کند.

y را دارد [$[[X]_{N/A} N] + [N name]_N < [[X]_{N/A} y [[N] name]_{N_i} N_j >$]
 $SEM_i[j] >$ کیفیت متمایزکننده‌ای از

بر اساس آنچه از داده‌های موجود دسته‌بندی شد، می‌توان طرح‌واره تعمیمی کلی نامه را که تمام زیرطرح‌واره‌های بررسی شده از آن منشعب می‌شوند، به صورت زیر در نظر گرفت:

$SEM_i[j] >$ [نوشته/ نوشته‌های مربوط به SEM_i] ۱۸. □□□□□□ - □□□□□□

۵. ۱۳ دلایلی در باب شبه‌وندشدگی نامه

دسته‌بندی واژه‌های پیچیده با سازه مشترک نامه براساس چندمعنایی حاصل از تأثیر فرایندهای معنایی نشان می‌دهد که سازه نامه دارای معنی مقیدی است که با معنای آن به عنوان

۱ Hünig

واژه آزاد واژگانی تفاوت دارد و این معنا فقط می‌تواند درون بافت آن واژه‌های پیچیده تحقق پیدا کند. برای مثال همان‌طور که مشاهده شد، معنایی مانند نشریه، مجموعه یا حکم برای نامه آزاد واژگانی به‌کار نمی‌روند. به همین علت به پیروی از بوی و هونینگ (۲۰۱۴) در مورد رفتار نامه درون ساخت واژه‌های پیچیده استدلال خواهیم کرد که آیا باید آن را وند و عملیات واژه‌سازی توسط آن را وندافزایی در نظر گرفت یا با جزئی واژگانی مواجه هستیم که واژه‌های مرکب می‌سازد.

۱. اولین معیار در توجیه شبه‌وندشدگی نامه معنی مقید نامه است. بوی و هونینگ (۲۰۱۴) تأکید می‌کنند زمانی با معنی مقید سروکار داریم، یعنی قائل به طرح‌واره‌ای باشیم که شکافی تهی^۱ و شکافی حاوی عضو واژگانی در آن مشخص است. طرح‌واره تعمیمی که در شکل ۱۰ ارائه شد گویای چنین حالتی است که به آن اصطلاح ساختی می‌گویند، زیرا همواره حاوی متغیری است که سازه مشترک ثابت در ارتباط با آن دارای معنایی مقید است. این حالت بیانگر معنای متفاوت سازه مشترک مشخص شده با همزاد آزاد خود است. همچنین خاص شدن و متفاوت شدن معنا(های) مقید از طرح‌واره‌های ترکیب در سلسله مراتب بالاتر را نشان می‌دهد. طرح‌واره ۱۸ (طرح‌واره اصطلاحی ساختی نامه) ساختی معادل $[[N][N]]$ را نشان می‌دهد که وارث طرح‌واره‌های ساختی بالاتر از خود است و ترکیب‌های این چنینی اسم‌ساز که می‌توانند هسته‌پایانی یا هسته‌آغازی باشند را نشان می‌دهد. اصطلاح ساختی نامه، با داشتن سازه ثابت، هسته‌پایانی است و وارث اسم‌ساز بودن طرح‌واره‌های بالاتر خود نیز است، اما داشتن معنای مقیدی که دارای معنای خاص‌تر و انتزاعی‌تری از واژ والد آزاد خود هستند و امکان تولید زایای عبارات‌های جدید را دارند، همان‌طور که بوی و هونینگ (۲۰۱۴) نیز برآورد، ما را با وضعیتی بینابینی روبه‌رو می‌کنند. اگر طرح‌واره‌های بالاتر گویای ساخت واژه‌های مرکب هستند یعنی پیوستاری داریم که در دو سوی آن ترکیب و اشتقاق جای گرفته‌اند و به همین تبع، ونداها و واژه‌های آزاد واژگانی، در این میانه واژه‌سازی‌هایی با جنبه‌های از هر دو سو وجود دارد که می‌توان به سازه مسؤل این فرایند عنوان شبه‌وند داد. شبه‌وند اصطلاح کاربردی و توصیفی است که برای ارجاع به تکواژهای واژگانی با معنای مقید و رفتار وندمانند درون

^۱ Slot

^۲ parent morph

واژه‌های پیچیده به‌کار می‌رود (بوی و هونینگ، ۲۰۱۴: ۸۰). همان‌طور که دسته‌بندی‌ها چندمعناشدگی نامه را نشان می‌دهند، انواع فرایندهای مفهومی مسئول ایجاد معناهای انتزاعی‌تر و خاص‌تر از نامه بودند، مثلاً در مورد تعبیرهای مجموعه/گردایه و نامه گفته‌شد که چه‌طور حتی با وجود ثبات معنای قدیمی‌تر و معنای همزاد آزاد واژگانی یا واژ والد درون آن‌ها، باز هم، خاص شدن طرح‌واره تصویری سطح-محتوا با جمع‌شدن با طرح‌واره تکرار مسئول پدیدایی مفهوم مجموعه/گردایه است. اما با دقت در معنی کلی واژه‌های این گروه می‌توان فهمید، مفهوم مجموعه/گردایه دقیقاً برابر با معنی اولیه کتاب نیست و از انتزاع بیشتری برخوردار است. برای مثال سوگ‌نامه نه به معنی کتاب سوگ، بلکه به معنی مجموعه‌ای از توصیف مصائب است که به‌منظور سوگواری نوشته شده‌است. بنابراین، نامه در مقام یک شیء، شیئیت کمتر و انتزاع بیشتری پیدا می‌کند. این یعنی همان‌طور که بوی (۲۰۱۰الف) می‌گوید، در زیرطرح‌واره‌های ساختی برخی خصوصیات صوری یا معنایی طرح‌واره‌های ساختی بالاتر می‌توانند به درجاتی معکوس شوند که مشخصاً در اغلب زیرطرح‌واره‌هایی که برشمرده‌شد، طرح‌واره‌های تصویری مسئول این تخطی و شکل‌گیری زیرطرح‌واره است. نامه علاوه‌بر این‌که با در نظر گرفتن اصطلاح ساختی درون سلسله‌مراتب واژگانی به‌صورت هم‌زمانی شبه‌وند است، این مسئله به‌صورت در زمانی نیز تأیید می‌شود. دو پدیده انشقاق و ثبات که در مورد پراکنش معنایی مجموعه/گردایه و نامه به آن‌ها اشاره شد، به تکوینی و تدریجی بودن روند شکل‌گیری وندها اشاره دارند که بوی (۲۰۰۲) این مسئله را در پیوستاری با عنوان دستوری‌شدگی از جزء آزاد واژگانی تا وند دستوری قرار می‌دهد. وجود دو پدیده ثبات و انشقاق در مورد نامه و اینکه این جزء اغلب در کنار اسم‌ها قرار می‌گیرد و اسم‌بودن واژه‌های پیچیده حاصل، نشان از این دارد که نامه در مسیر وندشدن است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برای ایجاد وندها از شبه‌وندها لازم است کاربران زبان الگوهایی را انتزاع کنند که به مجموعه واژه‌های مرکب با سازه مشترک و معنی مقید اختصاص دارد و این‌گونه از اصطلاح ساختی برای اختصاصی‌سازی مناسب شبه‌وندها استفاده شود (بوی و هرنینگ، ۲۰۱۴: ۹۴). برای مثال، اگر در زمانی فارسی‌زبانان برای کاربرد «کده» (از ریشه کدک) به‌صورت انشقاق و ثبات به معنای خانه/ جایگاه اصطلاحی ساختی را انتزاع نمی‌کردند، امروز «کده» به‌عنوان وند اشتقاقی تکوین نمی‌یافت. همچنین در اثبات شبه‌وندشدگی نامه از نظر در زمانی باید گفت این حالت با پدیده

بسط استعاری مورد نظر هاینه و همکاران (۱۹۹۱) قابل توضیح است. در راستای دیدگاه تبدیل واژه‌های آزاد واژگانی به شبه‌وند و در نهایت به وند اشتقاقی و سپس دستوری، که از آن به عنوان دستوری‌شدگی یاد می‌شود، هرگونه تغییر معنایی حاصل از دخالت فرایندهای سطح مفهومی منجر به قرارگیری واژه تغییر یافته در این پیوستار دستوری‌شدگی می‌شود که برش ناگهانی و قاطع ندارد. این تغییرات معنایی نیز، درون پیوستاری قرار می‌گیرند که پیوستار وقوع بسط استعاری (هاینه و همکاران، ۱۹۹۱) نامیده می‌شود. در بسط استعاری، پدیده مورد نظر معنی خود را نه در ارجاع به جهان خارج بلکه در دنیای زبان و گفتمان می‌یابد و به همین علت غیر حقیقی و واحدی استعاری است. پیوستار وقوع بسط استعاری به ترتیب عبارت است از شخص، شیء، فرایند، مکان، زمان و کیفیت که به صورت یک‌سویه و تدریجی از شخص تا کیفیت به هم تبدیل می‌شوند. طبق تحلیل نغزگوی کهن و داوری (۱۳۹۱) بسط استعاری می‌تواند تنها در یک بخش از این پیوستار اتفاق بیفتد مثلاً واژه دال بر شیء، با بسط استعاری نه لزوماً به فرایند بلکه به شیئی انتزاعی‌تر بدل شود (مانند آنچه در مورد نامه در زیر طرح‌واره مجموعه/گردایه توضیح داده شد). با تکیه بر این شاهد است که نظر بوی و هونینگ (۲۰۱۴) مبنی بر اینکه واژه‌های پیچیده با شبه‌وند، ترکیب‌هایی با سازه مشترک دارای معنای خاص و گاه انتزاعی‌تر هستند، تأیید می‌شود. درست همان‌طور که در مورد ترکیبات دارای نامه چنین است.

۲. معیار دیگر شبه‌وندشدگی، زیایی^۱ و بسط‌پذیری^۲ (بوی و هونینگ، ۲۰۱۴) است. علاوه بر معنای مقید، براساس زیایی و بسط‌پذیری است که می‌توان تصمیم گرفت که آیا گروه واژه‌های دارای سازه مشترک، طرح‌واره‌ای انتزاعی را پیش فرض می‌گیرند. زمانی که شمار زیادی از واژه‌های پیچیده با سازه مشترک دارای معنای مقید وجود دارند و آن سازه مشترک می‌تواند با واژه‌های زیادی همراه شود، یعنی بسط معنی آن حداقلی و برحسب تصادف و قیاس با یک واژه دیگر نبوده، بلکه در خانواده‌ای از واژه‌های دارای سازه مشترک اتفاق افتاده است. بنابراین باید برای آن‌ها طرح‌واره انتزاعی در نظر گرفت و بسط معانی مختلف را حاصل وابستگی به این طرح‌واره انتزاعی دانست.

^۱ productivity

^۲ extensibility

از طرف دیگر، باید توجه کرد زایایی یک الگو به مسئله بسط‌پذیری گره خورده است. اول اینکه، اگر بسامد نوعی^۱ یک طرح‌واره یا بسامد واژگان موجود در سطح انواع بیشتر باشد، فرض وجود طرح‌واره انتزاعی به‌عنوان اصطلاح ساختی برای آن گروه واژه‌های پیچیده بیشتر است. با وجود این، طرح‌واره‌هایی برای شبه‌وندهای خاصی وجود دارد که توانایی تولید واژه‌های جدید را ندارند. برای مثال طرح‌واره $[[\text{bad}][\text{N}]]$ را در نظر گرفت، که با وجود بسامد نوعی نسبتاً بالا، امکان تولید کمی برای نوواژه‌ها دارد. بنابراین امکان و میزان وقوع واژه‌های جدید از طرح‌واره ساختی عاملی است که بخت زایایی را بالا می‌برد. هر چقدر امکان تولید واژه‌های جدید بیشتر باشد یعنی امکان شکل‌گیری روابط مبتنی بر فرایندهای مفهومی از جمله قیاس بین واژه‌های منشعب از آن طرح‌واره هم بیشتر است. بنابراین با هر بار ساخت واژه جدید، رابطه قیاس فعال و باز فعال می‌شود. همچنین دسته‌بندی پراکنش معنایی طرح‌واره انتزاعی نامه نشان می‌دهد که علاوه بر بسامد نوعی بالای آن، امکان ساخت واژه‌های جدید در سطح بالایی فراهم می‌شود. در بافت اداری، قضایی و چاپ و نشر و آثار فرهنگی، نامه را بر سر اسم‌های زیادی می‌توان اضافه نمود. برای مثال واژه‌های اصطلاح‌نامه و توصیه‌نامه که در دسته‌بندی‌ها به ترتیب جزء فهرست/سیاهه و سند/مدرک قرار دارند از نوواژه‌های پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی هستند که پذیرفته شدند. وجود بسط‌پذیری بر مبنای قیاس نیز در میان بعضی ترکیب‌ها نشان داده شد. زایایی و بسط‌پذیری طرح‌واره انتزاعی نامه، به‌عنوان اصطلاحی ساختی، قرارگرفتن سازه مشترک مقید آن را در مسیر وندشدن، تثبیت می‌کند.

۳. نکته آخر درخور توجه، پس از رسیدگی به انشعاب طرح‌واره ساختی نامه از طرح‌واره مرکب دو اسمی که گویای شباهت آن به ساخت‌های مرکب بود، استدلالی است که رفتار وندواره نامه را موردعنایت قرار می‌دهد. یکی از ویژگی‌های وندهای اشتقاقی که در پیوستار دستوری‌شدگی مرحله بعد از شبه‌ند هستند، تغییر مقوله یا زیرمقوله است، برای مثال، «انه» با اضافه‌شدن به اسم، صفت یا قید می‌سازد، اما «مند» با اضافه‌شدن به اسم‌ها مقوله آن‌ها را عوض نمی‌کند، بلکه اسم‌های معنی را (مانند دانش، توان، خرد و...) به اسم‌های ذات تبدیل می‌کند. بررسی ساخت‌های حاصل از ترکیب اسم با سازه مشترک نامه، نشان داد، همگی آن‌ها اسم هستند. تأثیر نامه در تغییر زیرمقوله اسم‌های حاصل است. دقت در واژه‌های بخش پایه

^۱ frequency type

ترکیب‌های نامه نشان می‌دهد که اغلب آن‌ها اسم معنی (ناملموس) هستند درحالی که افزوده شدن نامه آن‌ها را به اسم ذات (لموس) تبدیل می‌کند. به عبارتی، حتی پایه‌هایی مانند فیلم، نمایش و واژه که به نظر ملموس می‌آیند، به خاطر تأثیر فرایندهایی مانند مجاز در شرکت این بخش‌ها در کل ترکیب که نوع تعامل آن‌ها با بخش سازه مشترک را رقم می‌زند، در معنایی ناملموس‌تر از معانی اصلی خود به کار رفته‌اند. برای مثال، فیلم و نمایش به ترتیب حاصل مجاز هدف به جای رخداد هستند (داستان نوشته شده به منظور ساخت/پرداخت فیلم/نمایش) و این کارکرد مجازی بخش‌هایی که در اکثر ترکیب‌های نامه در این گروه و گروه‌های دیگر دیده می‌شود، نشان می‌دهد عمده اسم‌های بخش پایه در ارجاع به حوزه‌هایی کلان‌تر به صورتی ناملموس به کار رفته‌اند و قرار گرفتن در کنار نامه آن‌ها را به اسم‌هایی ملموس و شیئی تبدیل می‌کند. این به این معنا است که علاوه بر ملموس شدن، منقول هم می‌شوند. یکی دیگر از تأثیرات زیرمقوله‌ای نامه، بر بخش‌های پایه گروه‌های زیرطرح‌واره‌های ساختی مختلف، مقید کردن آن‌ها است. جکندوف (۱۹۹۰، ۱۹۹۲) یکی از مؤلفه‌های معنایی خرد مؤلفه معنایی کلان شیء مادی یا چیز را (که در سطح اسامی هستند)، مقید بودن می‌داند. این مؤلفه به قابل‌شمارش بودن یا نبودن اسم‌ها برمی‌گردد. بررسی ترکیب‌های نامه نشان می‌دهد، اسم‌های بخش پایه (با توجه به تأثیرات مجاز و گاهی استعاره) اسم‌هایی غیرقابل‌شمارش و از نوع اسم جنس هستند (برای مثال یاد در ترکیب یادنامه حاصل مجاز هدف به جای رخداد است) مجموعه نوشته‌هایی به منظور یاد (بزرگداشت) شخص یا رویدادی؛ به همین علت، اسم‌های بخش‌های پایه نسبت به معانی بی‌نشان خود به مثابه واژه‌های آزاد واژگانی غیرقابل‌شمارش‌تر و گسسته‌تر به نظر می‌آیند. به زبان جکندوف (۱۹۹۰، ۱۹۹۲) اسم‌های قابل‌شمارش و اسم‌های جمع مقید به اجزای سازنده هستند و خرد کردنشان، ماهیت آن‌ها را سلب خواهد کرد (مثلاً نامه شیئی است که پاره قیچی کرده‌اش دیگر نامه محسوب نخواهد شد)، اسم‌هایی مانند (اصطلاح، پایان، سفر و فال) با در نظر گرفتن کارکرد مجازی‌شان درون ترکیب‌های نامه از زیرطرح‌واره مجموعه/گردایه اسم جنس‌هایی هستند که اگر به گروه‌های کوچک‌تر تقسیم شوند، باز هم همان خواهند بود و مانند اسم‌های غیرقابل‌شمارش نامقید به اجزای سازنده‌شان هستند. در نتیجه، نامه در زیرطرح‌واره‌های ساختی حاصل پراکنش معنایی، در عین درجه انتزاع

۱. ویژگی منقول را کتز (۱۹۷۲) به عنوان نقش‌نمای معنایی ترکیب‌پذیر، برای بررسی استلزام معنایی مطرح کرده‌است.

بیشتر و قرارگرفتنش در پیوستار وقوع استعاری به‌عنوان شیئی با حذف برخی ویژگی‌های معنای اولیه، همچنان وارث مؤلفه‌های معنایی نامه در طرح‌واره‌های ساختی بالاتر از خود از جمله طرح‌واره ترکیب $[[N][N]]$ خواهد بود و این‌گونه می‌تواند اسم‌های بخش‌های پایه را از اسامی معنی نامنقول نامقید را به اسم‌های ذات منقول مقید تبدیل کند. این مسئله شاهدی دیگر بر شبه‌وند بودن و رفتار وندی نامه در واژه‌های مورد بررسی است. از این‌رو، نامه به‌عنوان سازه مشترک با معنی مقید درون واژه‌های پیچیده را می‌توان شبه‌وند در نظر گرفت که ارتباط طرح‌واره‌ای سلسله‌مراتبی زیر بر اصطلاح ساختی آن حاکم است:

شکل ۱۱- روابط سلسله‌مراتبی طرح‌واره‌های شبه‌وند نامه

۵. نتیجه‌گیری

در این جستار به بررسی واژه‌های پیچیده دارای سازه مشترک نامه در زبان فارسی پرداخته شد که به‌طور سنتی واژه‌های مرکب هسته‌پایان نامیده می‌شدند. با بهره‌گیری از چارچوب صرف ساختی نشان داده شد که واژه‌های پیچیده حاوی این سازه از ساختی تبعیت می‌کنند که نامه در آن‌ها، دارای معانی مقید متعدد است که با معنی همزاد آزاد واژگانی آن، تفاوت دارد. از این‌رو، با اصطلاحی ساختی مواجه هستیم که سازوکارهای مفهومی باعث پراکنش معنایی آن می‌شوند. طرح‌واره‌های تصویری، مجاز و استعاره به‌ترتیب سازوکارهای غالبی هستند که به‌عنوان نیروی برانگیزنده عامل پراکنش معنایی و ایجاد زیرطرح‌واره‌های مختلف از طرح‌واره کلی اصطلاح ساختی نامه محسوب می‌شوند. وجود چندمعنایی در کنار زیایی و امکان بسط‌پذیری زیرطرح‌واره‌های ساختی به واژه‌های پیچیده متعدد، تغییر زیرمقوله اسم‌های پایه پس از همراه شدن با سازه مشترک و انتزاعی‌تر شدن معنای خود نامه در مقام یک شیء با حذف برخی مؤلفه‌های معنای اولیه نشان داد که نامه، درون اصطلاحات ساختی دارای رفتاری وندمانند است، به شکلی که می‌توان آن را در پیوستار دستوری شدگی قرار داد. بنابراین بدون فرض اینکه باید مشخصاً جزء واژگانی یا وند و فرایند حاصل از افزودن آن مشخصاً اشتقاق یا ترکیب باشد، با بهره‌گیری از مفهوم وراثت پیش‌فرض و واژگان سلسله‌مراتبی در صرف ساختی، می‌توان وضعیت بینابینی برای آن در نظر گرفت. قرار گرفتن واژه‌های پیچیده دارای سازه مشترک نامه در سلسله‌مراتبی که آن را مرتبه‌ای از مرکب‌های هسته‌پایان می‌کند،

وراثت ویژگی‌های آن‌ها از جمله هسته‌پایان بودن و حفظ بقایای معنای اولیه نزدیک به نامۀ آزاد واژگانی (به شکل ثبات)، توجیه‌گر شباهت اصطلاح ساختی آن با واژه‌های مرکب است و از طرف دیگر، معکوس کردن ویژگی‌های معنایی با دخالت فرایندهای مفهومی و تولید معانی مقید مختلف (به شکل انشقاق)، باعث می‌شود، نامه را شبه‌پسوند بدانیم. در مجموع، نامه شبه‌پسوندی است که با وجود پراکنش معنایی کمتر نسبت به وندها و کاربرد همزمان به شکل واژه آزاد واژگانی، با تغییر زیرمقوله اسمی واژه‌های بخش پایه خود از اسم معنی، غیرمنقول و غیرمقید به واژه‌های پیچیده به صورت اسم‌های ذات، منقول و مقید، حرکتش به سمت نداشتن حتمی می‌شود.

شکل ۱۲- شبکه چندمعنایی شبه‌وند نامه در چارچوب زیرطرح‌واره‌های ساخت

منابع

- ۱- انوری، حسن. (۱۳۸۲). *فرهنگ سخن*. تهران: انتشارات سخن
- ۲- ایمانی، آوا، رفیعی، عادل و عموزاده، محمد. (۱۳۹۷). «تحلیل ساخت‌محور از نام‌اندام «دل» در زبان فارسی». *نشریه پژوهش‌های زبانی*. ۹ (۲)، ۲۳-۴۴.
- ۳- ایمانی، آوا و رفیعی، عادل. (۱۳۹۸). «تحلیلی ساحت‌محور از ترکیبات نام‌اندام «سر» در زبان فارسی». *فصلنامه زبان‌پژوهی*. ۱۱ (۳۳)، ۱۲۹-۱۵۹.
- ۴- بامشادی، پارسا، انصاریان، شادی و داوری اردکانی، نگار. (۱۳۹۷). «چندمعنایی پسوند -انه در زبان فارسی: رویکرد ساختواژه‌ساختی». *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*. دانشگاه رازی کرمانشاه، ۶ (۲۲)، ۲۱-۳۹.
- ۵- بامشادی، پارسا و قطره، فریبا. (۱۳۹۶). «چندمعنایی پسوند «ی» فارسی: کندوکاوی در چارچوب ساختواژه‌ساختی». *جستارهای زبانی*. ش ۷ (پیاپی ۴۲). ۲۶۵-۲۸۹.
- ۶- بهرامی‌خورشید، سحر و نامداری، آزاده (۱۳۹۷). «بررسی افعال پیشوندی از منظر صرف ساخت». *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*. دانشگاه رازی کرمانشاه. ۷ (۲۵)، ۳۵-۵۵.

- ۷- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- رفیعی، عادل. (۱۳۹۱). «مفهوم عامل در واژه‌های مشتق زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۲(۷)، ۱۹-۳۲.
- ۹- رفیعی، عادل و ترابی، سارا. (۱۳۹۳). «وراثت و انگیزتگی رابطه صورت و معنی در واژگان: نمونه‌هایی از واژه‌سازی زبان فارسی». *علم زبان*، ۲(۳)، ۶۶-۴۹.
- ۱۰- رفیعی، عادل و رضایی، حدائق. (۱۳۹۸). «ساخت اسامی مشتق از پسوند «گر» از منظر صرف ساختی». *جستارهای زبانی*، ۳(پیاپی ۵۱)، ۷۱-۹۴.
- ۱۱- زمردیان، رضا. (۱۳۴۹). «ساختمان کلمه در زبان فارسی کنونی»، *جستارهای ادبی*، ۲۱، ۱۳۳-۲۶۱.
- ۱۲- سامعی، حسین و تفسیری، ملیحه. (۱۳۹۳). *الگوهای ساخت‌واژه در زبان فارسی*. تهران: گروه نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۱۳- طباطبائی، علاالدین. (۱۳۸۶). «ترکیب در زبان فارسی ۱». *نامه فرهنگستان*، ش ۳ (پیاپی ۳۵)، ۱۸۶-۲۱۳.
- ۱۴- طباطبائی، علاالدین. (۱۳۹۵). *ترکیب در زبان فارسی: بررسی ساختاری واژه‌های مرکب*. تهران: کتاب بهار.
- ۱۵- عظیم‌دخت، زلیخا، رفیعی، عادل و حدائق رضائی (۱۳۹۷). تنوعات معنایی واژه‌های مختوم به ستاک حال «یاب» در زبان فارسی: رویکرد صرف ساختی. *نشریه پژوهش‌های زبانی*، ۱۰(۲، پیاپی ۱۹)، ۸۳-۱۰۲.
- ۱۶- عظیم‌دخت، زلیخا و رفیعی، عادل (۱۳۹۸). واژه‌های مختوم به ستاک حال «پز» با مفهوم عامل محور از منظر صرف ساختی. *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۹(۱۷)، ۱۹-۴۵.
- ۱۷- کشانی، خسرو. (۱۳۷۲). *فرهنگ فارسی زانسو*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۸- مکنزی، دیوید نیل. (۱۳۷۳). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرائی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۹- نغزگوی کهن، مهرداد، و داوری، شادی. (۱۳۹۱). «شبه‌وندشدگی». *نشریه پژوهش‌های*

زبان‌شناسی تطبیقی، ۳ (۳)، ۶۵-۸۵.

- ۲۰- Booij, G. E. (2002). *Morphology of Dutch*. Oxford: Oxford University press.
- ۲۱- Booij, G. E. (2007). Polysemy and Construction morphology. In Moerdijk, A., Van santen, A. (eds). *Leven met woorden*. Leiden: Instituut voor Nederlands Lexicologie, 355-364.
- ۲۲- Booij, G. E. (2010a). Construction morphology. *Language and linguistic compass*, 4(7), 543-555.
- ۲۳- Booij, G. E. (2010b). *Construction morphology*. Oxford: Oxford University press.
- ۲۴- Booij, G. E. (2012). Construction morphology: a brief introduction. *Morphology*, 22, 343-346.
- ۲۵- Booij, G. E. (2013), Inheritance issues in Construction Morphology, In Gisborne, N., & Hippisley (eds.), A. *Default Inheritance*. Oxford: Oxford University Press.
- ۲۶- Booij G. E, and Hüning, M. (2014). Affixoids and Constructional idioms. In Boogart, R, Coleman, T, and Rutten, G. (eds). *Extending scope of constructional grammar*. Berlin: De Gruyter Mouton, 77-106.
- ۲۷- Clausner, T. and Croft, W. (1999). “Domains and image schemas”. *Cognitive linguistics*, 10(1), 1-31.
- ۲۸- Croft, W. (1993). The role domains in the interpretation of metaphors and metonymies. *Cognitive linguistics*, 4, 70-335.
- ۲۹- Croft, W. (2001). *Radical construction grammar: Syntactic theory in typological perspective*. Oxford: Oxford University press.
- ۳۰- Croft, W. (2007). Construction grammar. In D. Geerarters and H. Cuykens (eds). *The oxford handbook of cognitive linguistics*. Oxford: Oxford University press, 463-509.
- ۳۱- Culicover, P, and Jackendoff, R. (2005). *Simpler Syntax*. Oxford: Oxford University press.
- ۳۲- Culicover, P, and Jackendoff, R. (2006). The simpler syntax hypothesis. *Trends in cognitive science*, 10, 42-413.
- ۳۳- Evans, V and Green, M. (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University press.
- ۳۴- Fillmore, K, and Kay, P. (1995). *Construction Grammar course book*. Ms., University of California, Berkeley.
- ۳۵- Goldberg, A. E. (1995). *Construction: A Construction approach to argument structure*. Chicago: Chicago university press.
- ۳۶- Goldberg, A. E. (2009). *Constructions work*. *Cognitive Linguistics*, 20(1), 201-224.
- ۳۷- Hampe, B. (2005). Image schemas in cognitive linguistics: introduction. *From Perception to Meaning*, 1-14.
- ۳۸- *morphology*. 2nd edition. London: Hodder education.
- ۳۹- Hedblom, M., Kutz, O., Peñalozza, R, and Guizzardi, G. (2019). Image schema combination and complex events. *KI-Künstliche intelligenze*, 33, 279-291.

- ۴۰- Heine, B., Claudi, U, and Hünemeyer, F. (1991). *Grammaticalization: a conceptual framework*. Chicago: Chicago university press.
- ۴۱- Hopper, P. J. (1991). On some principles of grammaticalization. In E. C, Traugott and B, Heine (eds). *Approaches to grammaticalization, vol I*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins, 17-35.
- ۴۲- Jackendoff, R. (1990). *Semantic structures*. Cambridge, MA: MIT press
- ۴۳- Jackendoff, R. (1992). Parts and boundaries. In B, Levin and S, Pinker (eds). *Lexical conceptual semantics*. Oxford: Blackwell.
- ۴۴- Jackendoff, R. (2007). A parallel architecture perspective on language processing. *Brain research*, 1146, 2-22.
- ۴۵- Jackendoff, R. (2008). Construction after Construction and its theoretical challenge. *Language*, 84, 8-28.
- ۴۶- Johnson, M (1987). *The body in mind: the bodily basis of meaning, imagination and reason*. Chicago: Chicago university press.
- ۴۷- Kats, J. J. (1972). *Semantic theory*. N.Y.: Harper and Row.
- ۴۸- Kövecses, Z, and Radden, G. (1998). Metonymy: developing a cognitive linguistic view. *Cognitive linguistics*, 9(1), 37-77.
- ۴۹- Lakoff, G, and Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: Chicago university press.
- ۵۰- Lakoff, G, and Turner, M. (1989). *More than cool reason: a field guide to poetic metaphor*. Chicago: Chicago university press.
- ۵۱- Langacker, R. (1987). *Foundation of cognitive grammar*. I. Stanford, CA: Stanford university press.
- ۵۲- Langacker, R. (1993). Reference-point constructions. *Cognitive linguistics*, 4(1), 1-38.
- ۵۳- Lee, D. (2002). *Cognitive Linguistics: An Intruduction*. Oxford university Press.
- ۵۴- Michaelis, L, and Lambrecht, K. (1996). Toward a construction-based theory of language function: The case of nominal extraposition. *Language*, 72, 215-247.

Polysemy in name-last Complex Words Within Construction Morphology

Parya Razmdideh (Corresponding Author)
Vali-e-Asr University of Rafsanjan, rafsanjan, Iran

Sara Kheyrmand^۱

MA graduate student of Linguistics at Isfahan University

Received : 23/01/2021 Accepted:10/04/2021

Abstract

“name”-last complex words have rarely been examined in Persian morphology. In this study, examining the function of “name” in the word-formation of Complex words which is embedded as a shared constituent, the polysemous patterns have been analyzed in the framework of construction morphology (Booij, 2010). To fulfill this purpose, 102 “name”-last complex words have been gathered from 3 Persian dictionaries including Zansoo (1994), Sokhan (2003), and Dehkhoda (1999) which have been classified in 12 extensions of meaning, adopting generalized holistic constructional schema which govern less abstract subschemas as meaning extensions derived from conceptual mechanisms. Achievements depicted that image schemas, metonymy, and metaphor are the chief forces in getting “name”, polysemous in the examined complex words. Additionally, the other possibilities such as bound meaning in terms of constructional idiom, hierarchical lexicon, and default inheritance contributed by construction morphology indicated that “name”-last complex words are governed by the so-called constructional idiom as a kind of constructional schema in which a fixed lexical unit with bound meaning is embedded. This justifies how “name” is positioned in the fuzzy boundary between compounding and derivation as a “affixoid” which is grammaticalizing.

Keywords: “name”, “polysemy”, “conceptual mechanisms”, “affixoid”, “constructional schema”